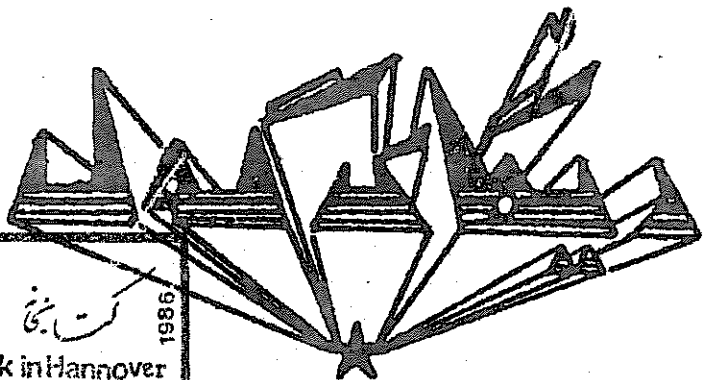




کتابخانه ایرانی شهرانوفر

Iranische Bibliothek in Hannover

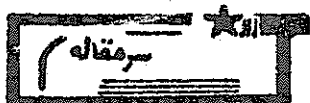
1986

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - شاخه ترجمان

صفحه ۴۴

تیر ماه ۱۳۶۲

دوره جدید شماره ۸



پیر و زیاده مبارزه لهرمانانه خلق کرد

تاریخ نهالهای اخیر سرشار از مبارزه
حماسه آفرین خلق و ملت های تحت
ستم است که برای برانداختن یوغ
اشارت ملی به خاسته اند عقیم
ترین قدرتها را می ربایستی و اگر
بنیاد دواخترا آنها بر استعمار و کارگر
وز حمتکشان و انقیاد و ستم بر ملت ها
استوار گشته است بزانود را آورده اند
این پیروزیهای مداوم ملت به تحت
ستم در عصری که انقلابات کارگری
سویا لیستی آغاز گشته است در صفحه ۴

کومله بولدیت

بدفاع از خود برخاسته است

در شماره پیشرو ارکان مرکزی
کومله مقاله ای درج شده است تحت
عنوانی کومله بولدیت یا حفاظ
شومست در پاسخ به مقاله کومله
- لد یک جریان بولدیت -
جنس کارگری ایران در صفحه ۵



در این شماره

- ۱) اولین انگردشها در رنقا،
انورا عطمی، جواد کاشی گرامی باد.
- ۲) اخبار اعتراضات کارگران و زحمتکشان.
- ۳) بیاضد پرسنل انقلابی ارتش.

هدمو و میلاد تیک عافی دیاری کردن فی چارده نویسی خوئی هدیه



سرمقاله

سوسیالیستی آفا زگشتا ست . بیا نگران
واقعیت است که دوران اسارت ملت‌ها ،
دوران ستگری ملی بیا یان رسید ماست
و هیچ نیروئی قادر نیست حتی بازو و سر -
کوب برای مدتی طولانی يك ملت را در
اسارت خویش نگهدارد و مستگری خود
ادامه دهد . اما براستی مرتجعین -
شاگردان کودن و کند ذهن تاریخ اند ،
از تاریخ نمی آموزند ، هر بار از نو درازنو
می آزمایند و با خشک مغزی تمام در برابر
احکام آمرانه تاریخ و حرکت بالنده آن
می ایستند از اینرو جز شکست مداوم و محتوم
بسیار نوشتد یکی در پیش ندارند .
ملت تحت ستم کردن نیز همچون ملت‌های
تحت ستم دیگر سال‌هاست طبعاً
ستگری ملی بیا خاصه مبارزه درخشانی
را در این زمینه پشت سر گذارد ما ست
اینک بیش از چهار سال مداوم است که این
خلق تحت ستم در کردستان ایران با از مرد
گذشتگی ، استادگی ، قهرمانی حماسه
آفرینی بمبارزه مسلحانه خود علیه رژیم تبهکار
حکیمیهی اسلامی ادامه میدهد و -
هزاران رژیم ارتجاعی را بخاک مالیده
است . واقعیتی است تردید نپذیرد که

کسی دهها هزار مرد و رارتنی ، سپاهی
واندارم و صیچی به کردستان ، گلستان -
باران مداوم و مستمر و روستاها ، کشتار -
دستجمعی روستائیان بید فاع ، محاصره
اقتصادی ، سرکوب مردم شهرهای -
کردستان ، اعدامهای دستجمعی و
دهها اقدام جنايتکارانه در بگروزم هیچ
يك نتوانست ماست در هم و اراد ما ستوار -
این خلق مبارز خلی ایجاد کند . بلکه
بالعکس اراد ما این خلق تحت ستم را به
مبارزه را سختر نمود ما ست . هرگاه تفنگی
از دست يك پیشمرگ قهرمان بگروزمین
افتاده است دهها دست برای برداشتن
آن دراز شده است .
پیشمرگان کردستان يك لحظه آرامش را
از مردوران بگروزم سلب نمود ما ند . سراسر
کردستان بگورستان این مزدوران -
تبدیل شد ما ست . در هر کجا که رژیم
پایه گذارد خود را در محاصره پیشمرگان -
می بیند . دهقانان کرد تمام سختی‌ها و
مشقات این جنگ را با از خود گذشتگی
و سرسختی تمام تحمل نمود ما ند و با حما -
یت مادی و معنوی از پیشمرگان و شرکت
مسقیم در مبارزه مسلحانه علیه رژیم ، نقض
مهمی در شکست برنامه‌های سرکوبگرانه
رژیم ایفا نمود ما ند . کارگران و زحمتکشان



سر مقاله

شهرهایی که تحت اشغال نظامی رژیم در آمدند و همچنان در اشغال فوئانگون مبارزه، اعتصاب، تظاهرات، ملیتات مسلحانه و غیره می‌دارند و مبارزه در شهرها تعیین نمودند. «ملت قطعی تلاطمی ضد انقلابی رژیم و ملیت‌ها به پیروزی ملت کرد هر روز بیشتر آسار می‌گیرد»
در اینجا نیز خلق کرد یکبار دیگر مقام ملت‌ها و خلق‌های تحت ستم سراسر جهان نشان می‌دهد که ملت مرتجعین حتی است و هیچ قدرتی قادر نیست حتی بهر اسلحه ملت دیگری را در انقیاد خود نگاه دارد و مستحکمی ملی را ادامه دهد.
ایستادگی و مقاومت خلق کرد همچنین تأثیر غیرقابل انکاری بر نا توانی و مرتجعیتگر اخلاقی و سیاسی رژیم، بر اعتباری آن در میان توده‌های زحمتکش مردم ایران و امت سراسری مبارزانها بر جای گذاشته است. اکنون مبارزات توده‌های مردم سراسر ایران کهس از مرزوب خونین روزه‌های سراز - آخر داد و بیدار و کود و بر حرکتی موقت شده بود، آرام آرام با بانوئی تخریب بسیار عظیم انقلابی - نویی می‌یابد. تظاهرات اخیر مردم

در فول، تهران و برخی شهرهای دیگر نخستین جرقه‌های اعتراضی وسیع و سراسری توده‌های مردم ایران است که با نگره حق و وسعت بحران رژیم جمهوری اسلامی است. این اعتلا نون جنبشی سراسری توده‌های مردم ایران نیز به تأثیر قطعی و وسیع و مهمی بر جنبش انقلابی خلق کرد پیروزی آن بر جای خواهد گذاشت. تأثیر متقابل مبارزه خلق کرد بر مبارزه توده‌های سراسر ایران و مبارزات سراسری مردم ایران بر جنبش انقلابی خلقی کرد. چنانکه از شکل گریز پست جنبش سراسری گسترده و سرنوشتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نیز بدتر می‌بازد.

هر چه جنبش ملی - دمکراتیک مردم کرد - ستان با جنبش اعتراضی سراسر مردم ایران در یک روند واحد انقلابی - دمکراتیک به پیوند می‌خورند، پیروزی ملت کرد در جهت تأثیر آن به مخرج تعیین سرنوشت هر فرع مستحکم تعیین قطعی و ملی پیوسته می‌یابد. تنها با پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌های ایران است که خلق کرد می‌تواند قطعاً بر سرنوشت خویش حاکم گردد. انقلابی که رهبر و پشاهان آن یک طبقه با آخی و یکسر



سرمقاله

و حقیقتاً انقلاب یعنی طبقه کارگر ایران است. تنها طبقه کارگر ایران یار و پشتیبان و یکر و متحد ملت‌های تحت ستم ایران است. طبقه‌ای که با هر گونه ستمگری ملی دشمنی آشتی ناپذیر دارد. این را اکنون مکتب انقلاب با تی کبیر هبری طبقه کارگر صورت گرفته است نشان داد و مایات رسانده است برای اولین بار با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتسبرد روسیه ملاسجل کرد بد که طبقه کارگر یگانه یار و متحد قابل اعتماد ملت‌های تحت ستم است و طبقه هموهری گونه تبعض و ستم ملی مبارز میکنند. با این انقلاب در کشور کثیرالمله روسیه ستم ملی بطور واقعی حل گردید. ستم ملی برای همیشه از میان رفت و اندیشه های لنین کبیر هبر افتخار آفرین کارگران سراسر جهان در زمینه حقوق تعیین سرنوشت ملت واحد جدائی و تشکیل دولت مستقل عملی گردید. سیاست ما نیز در زمینه مسئله ملی تبصیرت از هبر کبیر مان لنین میباشد، ما بمطابقه یک سازمان مارکسیست - لنینیست بمطابقه سازمانی که وظیفه خود را تشکیل و آگاهی طبقه کارگر ایران، ورهبری مبارزه

طبقه‌ای کارگران در اشکال گوناگون آن تا نلی به هدف نهائی و استقرار کمونیسم - نابرابری ملی مبارزه کرد و می‌کند و باید دفاع - نیروی از همدود لنینی بر سمیت شناختن حق ملت در سرنوشت خود واحد جدائی و تشکیل دولت مستقل با هر گونه ستم و ستم مبارز میکنیم. از اینرو اکنون که مبارزات سراسری توده های مردم ایران اعتلا نوبنی مییابد و چشم انداز سرنوشتی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نزد یکتا میگردد ما کارگران و زحمتکشان کردستان را در کنار دیگر برادران و همزنجیران خود در سراسر ایران به زیر پرچم سرخ رهائی بخش - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فرامیخواهیم و ملت کرد نیز یقین داشته باشد که هیچ متحدی قابل اعتماد تر از طبقه کارگر ایران و نماینده آگاهان - یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سراسر ایران نخواهد داشت خلق کرد در مبارزه برحق و عادلانه اش علیه رژیم جمهوری اسلامی بی تردید - و پیروز خواهد شد و این پیروزی نیز چندان دور نخواهد بود.



الفصح سطر سطر همین سطر
... که ششم هزار و هشتاد و پنج
و هرگز ستمی و ناآرامی...



کومه له یونانیست بدفاع از خود برخاسته است

افکنانه در صفوف طبقه کارگر ایران محسوب میشود. این بود مضمون اصلی مقاله ای که کومه له هر آینه میخواست به دفاع از خود برخیزد میبایست بدای پاسخ گوید. تنها چیزی را که میتوان در مقاله کومه له پیدا کرد و تا حدی مستقیماً به مسئله اصلی بحث مربوط است این جمله است که "کومه له در کجا و در کجا میک از مصوبات خود خواستار آنچنان سازمان مستقلى شده است که یونندخواهان آن بود". و پاسخ میدهد "تنها دلیل سطحاً بر یونندست بودن ما برضاه کومه له برای خود مختاری کردستان است. این برنامه در کنگره سوم کومه له در اردیبهشت سال ۱۳۶۱ عزم که هیچ اقدام تشکیلاتی برای ایجاد حزب کمونیست از طرف هیچ سازمانی انجام نگرفته بود تصویب شده است. بنا بر این تعریف هویت طبقه تسی کومه له بعنوان مظهریای نماینده — کارگران و زحمتکشان کردستان را تحت هیچ عنوان مستقلى نمیتواند و بر این جنبش کمونیستی ایران و امر تشکیل حزب کمونیست و یا در مقابل وحدت سیاسی و سازمانی سراسری پرولتاریا — ی ایران قرار داد... در اینجاست مسئله بر سر مطالبه حق از حزب سراسری طبقه کارگر ایران نبوده بلکه صحبت بر سر ممتا یز ساختن اهداف و مف پرولتاریای کردستان و نماینده سیاسی

کومه له در این مقاله تلاش نموده است تا هر گونه قرائت و غویشا و نندی نظری و عملی خود را با یونندستهای روسیه که یکجریان منحنطاً سیونالیست در جنبش کارگری روسیه محسوب میشدند، انکار کنند. اما هر آنچه بیشتر تلاش نموده است یونندست بودن خود را انکار کند، روشنتر مباحثی نظری و عملی یک یونندست را به نمایش گذاشته است. به ویژه اینکه در همین شماره "پیشرو" سخنرانهای عبدالله مهتدی که خود روشنگر دیدگاههای کومه له میباشد نیز درج شده است.

کومه له طی این مقاله مدام کوشیده است تا طفره رفتن از بحث اصلی و محسوری مورد اختلاف ر ذهن خواننده اغتشاش فکری ایجاد کند و برای خود راه فراری جستجو کند. در حالی که بحث اصلی در مقاله "کومه له یکجریان یونندستی در جنبش کارگری ایران" این بود که کومه له در همان کنگره ای که با اصطلاح برنامه حزب کمونیست سهند را می پذیرد، یک برنامه — مه خود مختاری کردستان نیز ارائه میدهد و در آنجا خود را "مظهر آگاه و متشکل پرولتاریای جوان کردستان" (بند ۷) و بخش پیش آهنگ پرولتاریا — ریای کردستان (بند ۸) معرفی میکند. بنا بر این کومه له با ادعای نمایندگی پرولتاریای کردستان مظهر گرایشات جدائی طلبانه و تفرقه



آن میباشد. هرگاه کسی به کینه نقطه
نظرمای گوید که پس خبر ده باشد. و
ما هیت طبقاتی آن را نخواسته باشد
ممکن است چنین استدلال کند که —
گویم که در جمله بالا بشعوی مواضع
گذشته خود را پس گرفته است و پس از
آنکه به پوپولیت بودن خود پی برده
است، دیگر خود را "مظهر آگاه و متفکر
پرولتاریای جوان کردستان" و "بخش
پیش آهنگ پرولتاریای کردستان"
نمیداند و خواستار آنچنان سازمان
مستقلی را مطرح کرده بود که —
بلکه هم اکنون پی برده است که "هم
طبقه بودن کارگران کرد و کارگران
دیگر ملیت را دور از تنگ حزب کمونیست
نیست و احداث برای رهبری مبارزات
آنها ضروری میباشد. نه اینگونه
در سطح ایران با عده کردن نظامی
نیابتی و قومی کارگران، ترک، کرده
فارسی، عرب، بلوچ، پهلوی، آرمینی
و غیره هر کدام یک حزب جداگانه
داشته باشند (همان مثال) اما —
چنین تصور غلط است و آنچه که گویم که
در پی آنکار آن برآمده است تمام ما در
تصور و پراکنش گویم که روشه عینی
دارد و خود را نباید به غریب مختلف در
اشکال مختلف بروز میدهد.
گویم که خوا اکنون نیز در ایران خود را به
"مظهر آگاه و متفکر پرولتاریای آگاه و پیش
بخش پیش آهنگ آن" معرفی میکند.
در حالیکه هرگز در دستاویز طبقه
که مظهر آگاه و متفکر پرولتاریای و بخش
پیش آهنگ آن، حزب کمونیست است.

اوبا طرح این مسئله تمام خود را به
داشتن یک سازمان مستقل بیان
میکند و آگاهانه یا نا آگاهانه میخواهد
در نفوذ متحد طبقه کارگران ایران تفرقه
بپاشد و از تکلیف ایجاد کند و غراب
کاری نماید. از جنبه طبقاتی قضیه
چنین گرایشی مدافع نامحسوسان
تنگ نظرات کرده بود و زوایای دهانی
است. گویم که از یک سو مدعی است
که "در اینجا مسئله بر سر یک مسئله
حق از حزب سراسری طبقه کارگران ایران
نمیگذرد" و از سوی دیگر خواستار خروج
و پیرو خواص (۱) از حقوق سیاسی
تنگ نظراتی را در چه خاص از استقلال
است. ما بعد از این مسئله را که —
همانها بودند که پیوند بودن گویم که در همین
نکته پیچیده است مورد بررسی قرار —
خواهیم داد. اما اکنون بپذیریم
که گویم که چه استدلالی را قدم به قدم
خود را مظهر آگاه و متفکر و بخش پیش
آهنگ پرولتاریای کردستان معرفی
کند. او ملت را چنین نام میکند
که: "گویم که یک سازمان سراسری
طبقه کارگران را نمیتوان سراسری
بوده است، لذا نمیتوان و عدل سراسری
مبارزات کارگران و زحمت کشان کرد
سازمان را بر مبنای داشته است و لذا
در راه ایجاد حزب کمونیست ایران
مبارزه کرده و میکند."
خوب دقت کنید اما بپذیریم خود را متفکر
لال را بپذیرید گویم که با این علت —
مظهر آگاه و متفکر و بخش پیش آهنگ
پرولتاریای کردستان است که "نه، یک



— سازمان صرافا محلی بلکه دارا ایضا —
 لجنهای سراسری بوده است. برای
 یک لحظه فرض کنیم که چنین باشد.
 در آن صورت چرا گومه له مظهر آگاه و
 متشکل و بخش پیشاهنگ پرولتاریای
 گروستان باشد و نه پرولتاریای ایران؟
 مگر نه این است که گومه له مدعی است
 "نه یک سازمان صرافا محلی بلکه دارای
 نماینده های سراسری" است. پس —
 درست این می شود که گومه له با تکیه
 فعالیت سراسری اش شکل سازمان صرافا
 محلی عمل نمیکرد. مظهر آگاه و متشکل
 و بخش پیشاهنگ پرولتاریای گروستان
 — ن معرفی نمی نمود. اما بعد گومه له
 مدعی است که "عمدتا و عملاً رهبری —
 مبارزات کارگران و زحمتکشان گرو-
 ستان را بر عهده داشته است" اولاً که
 گومه له هیچگاه عمدتاً و عملاً رهبری —
 مبارزات کارگران و زحمتکشان گرو-
 ستان نداشته است، بلکه عمدتاً و عملاً
 رهبری مبارزات دهقانان و روستاییان
 را بر عهده داشته است. ثانیاً باید
 هم فرض کنیم که همانگونه باشد که
 گومه له مدعی است. مگر گومه له خودش
 نمیگوید که "هم طبقه بودن کارگران
 کرد و کارگران دیگر ملیتها در ایران
 یک حزب کمونیست واحد را برای رهبری
 مبارزات آنها ضروری میآورد. نه —
 اینکه با عهده کردن تفاهت های ملی
 و قوم — کارگران کرد، ترک، فارس
 ، عرب، بلوچ، یهودی، ارمنی، و
 غیره هر کدام یک حزب جداگانه داشته
 باشد" اینکه فرضاً گومه له عمدتاً و
 عملاً رهبری مبارزات کارگران و زحمت-

— کسان گروستان را بر عهده داشته
 باشد چه ربطی دارد به اینکه گومه له
 "مظهر آگاه و متشکل و بخش پیشاهنگ
 پرولتاریای گروستان است" و بالاخره
 خود را به این علت بخشی
 پیشاهنگ پرولتاریای گروستان
 معرفی میکند که "روادار پیاده صرافا
 کمونیست ایران مبارزه کرده و است
 میاند و این خود را قش گشتا و گومه له
 است تمام این استدلالات صحیح و قریب
 و عقبتا بی سر و ته گومه له نشان
 میدهد که او بدنبال یک توجه —
 میگردد. در اینجا نیز گومه له نشان
 میدهد که نه مدافع و نه پاینده کارگران
 بلکه دهقانان گروستان است و سوا-
 سیالیتی که او مدافع آن است نه
 سوسیالیسم علمی بلکه سوسیالیسم —
 خرد بورژوازی دهقانی است که سر تا پا
 آغشته به ناسیونالیسم منط است.
 اگر سابق بر این گومه له بطور کلی خود
 را بخش پیشاهنگ پرولتاریای گروستان
 معرفی میکرد امروز بنوعی تر به
 طرح مسائلی میپردارد که تفاهت دهقان
 های گومه له با دیدگاه بوندیستهای
 روسی را به عینه نشان میدهد.
 منتهی به تندی لو گومه له "به مناسبت
 مظهر و پیشاهنگ کارگران و زحمتکشان
 گروستان" یاد میکند و به این اعتبار
 خواستار "نوع ویژه و خاص ا حقوق —
 سیاسی و تکنیکالانی با درجه خاصی از
 استقلال" برای گومه له میگردد. او
 میخواهد که گومه له با تمام نام و —
 مشخصات خود در درون حزب باقی میا-
 ند. همچون یک سازمان مستقل و



کومه له یوئدیست

خودمختار خواستار این است که تقریباً در کلیه مسائل استقلال عمل داشته باشد. ارگانهای خود را متعین از حزب سازمان دهد. کنگره خود را داشته باشد. کمیته مرکزی خود را متعین سازد. کمیته مرکزی حزب انتخاب کند. نیروی بیشتر که میره به دست و پا می زند. حزب بلکه به دست و پا می زند. رهبری کومه له باید و خلاصه کلام اینکه کومه له "م" خود را "احسار خود" و "استقلال عمل" خود، همکاران را سازمان دهد. این حد اعلاي خودمختاری تشکیلاتی است که کومه له مدافع آن است. خوب که دقت کنیم بی میسر کم کومه له دفاع از خودمختاری در گردان را - دفاع از خودمختاری کومه له در درون یک حزب و سیاسی طبقه که رگربط میدهد. این امر چیزی جز دفاع از سیستم فدراتیو تشکیلاتی و همان نقطه نظری بودنیستهای روسی نیست. آنچه که بودنیستهای روسی نیز درخواست میکردند چیزی غیر از این نبود. عبدالله مهندی که از قبل نیز بی برده است نمیتواند مبنای مارکسیستی برای این ادعاها - فی خود پیدا کند متوسل به استدلال - تی میشود که تنها میتوان از زبان یک نماینده خرده بورژوازی شنیده شود. دفاع کومه له از سیستم فدراتیو تشکیلاتی توسط عبدالله مهندی در

این عبارت بیان میشود که "بسیار برای اعتمادی و گران می محتمل کسانی هم فایده می آید که ممکن است بگویند خانه خود را حزب کمونیست وارد شود. بعضی از این است که احزاب را فدراسیون در دست میگیرند و در تهران برای آنان تصمیم گیری میشود. این است استقلال مبتدل با سیونالسمها - ی ننگ نظری که مدعی تلاش در ایجاد انترناسیونالسم نوسان است! و بر خود نام "شلیویکهای نویسن عصر ما" (!!!) گذارده اند. "شلیویکهای نویسن عصر ما" و مادیان ایجاد انترناسیونالسم نویسن با این علت از سیستم فدراتیو تشکیلاتی دفاع میکنند تا برای اعتمادی و گران می کسانی فایده آید که ممکن است بگویند فدراسیونها اختیارشان را در دست گرفته و در تهران برای آنان تصمیم میگیرند. کی؟ کجا و چگونه کارگران گردان در این چنین نگرانیهای شده اند که کومه له بنام آنها سخن میگوید. واقعیت این است که این نگرانی و بی اعتمادی مختص خرده بورژوازی دهقانان است و کومه له در واقع نماینده نماینده آگاه دهقانان نگرانی و بی اعتمادی آنها را بازگو میکند. او بدین طریق در عین حال نشان میدهد که یوئدیست بودن جز لاینفک کومه له است و نه سلفها با تمام این اوصاف کومه له در مقاله

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



"کومه له" می‌گوید نسبت با سحفا یی...
 - بنیست "مدعی است که دماء او از
 سیستم فدرالیسم و کلاسی و حداغای خو
 - دمفتاری می‌گوید مراست و -
 بنا سببی می‌بوند نسبت های روسه ندارد
 او به روسه استناد می‌کند تا باید -
 بتواند بگوید نسبت بودن خود را انکار
 کند. اما از استناد با سببی سرس
 حقیقت به روسه که در حقیقت
 محتوای اصلی مسئله محوری بحث
 اوست خودداری می‌کند.
 علت آن مسئله در حقیقتی نهفته
 است؟ کومه له برای این با طرح
 بودن ادعاهای خود محبور می‌شود
 که از تقابل بین "برولناریای
 کردستان و برولناریای ایران" -
 برای سخن میان آورد و در حقیقت
 آخبران از این تقابل و خصوصیات
 سخن می‌گوید که سبب طرح مسئله طبقاتی
 مبارزه برولناریا را در کردستان -
 تحت الشعاع جنبه ملی آن قرار می‌دهد تا
 بتواند ضرورت سازمان جداگانه
 را برای برولناریای کردستان
 اثبات نماید و خود را "مظهر آگاه
 و متشکل" و "حقیقتاً همک برولناریای
 کردستان معرفی کند. بدین علت کومه
 له از استناد به بحث اصلی روسه
 خودداری می‌ورزد. روسه می‌گوید "او
 دائماً از بوند عنوان برولناریای
 یهودی در حزب سخن می‌گفت. همچنان
 که کومه له از نمایندگی برولناریای
 کردستان سخن می‌گوید احسن -
 نمایندگی جداگانه ای وقتی معنی
 داشت که ما می‌توانستیم بدریم که
 منافع برولناریای یهود و برولناریای
 سبب ایران ملی روسه و خود را کمورد
 در یاد دارد. من مگر می‌گویم اگر نه
 یا نکه طرحه طبقاتی و نه ملی بحث

کیست چنین تقاضای وجود دارد و هرگز
 نمی‌تواند وجود داشته باشد
 من برای این استناد می‌کنم که هرگز از
 حزب نمایندگی برولناریای
 نمای روسیه است و سبب "کومه له" -
 سده ای را بعنوان نمایندگی گروهها
 - ی ملی برولناریا ندانم
 محصورم خود را سده برولناریای
 روس، کرجی، ارمی، و آذربایجان
 بهائی اهل قفقاز دانم. اما من با
 کمال میل از این حسن عنوان -
 دور و درازی هم می‌شود عنوان -
 چو باشد نماینده برولناریای روسه
 را دارا می‌شوم همچنانکه نماینده
 هاسم بر می‌آید من طرند از حضان سوع
 سازمانی هستم که با بودن آن در شهر
 سازمان متحد حزبی باشد ترابط -
 منطقه ای به زبانهای مورد نیاز -
 تبلیغ کند. دیدگاههای انحرافی
 در مورد وحدت - روسه
 این گفتار روسه بدین معنی است که
 اگر ما از موضع مارکستی و استریم
 - بیوالیستی با تکه طرحه
 طبقاتی و نه ملی به بررسی ادعای
 کومه له بپردازیم هیچ تقاضای منافی
 بین برولناریای کردستان و برولناریای
 - رای با برملل ایران که ممکن
 است سبب ادعای کومه له موجب
 نگرانی و بی اعتمادی میان آنها گردد
 وجود دارد و می‌تواند وجود داشته باشد
 از این رو چنین نتیجه می‌شود که
 وحدت منافع برولناریای سر -
 ایران حکم می‌کند. هنگامیکه یک
 حزب حقیقتاً لینینی معنی حزب
 کمونیست ایران تشکیل خود البته
 به حزبی که سازمانها و گروههای یونیست
 نظر کومه له و سپند و عده آرا می‌دهند
 آگاه هر عضو حزب نمایندگی نمای



کومه له یونديست . . .

پرولتاریای تمامی ایران است و نه
اینگدی یکی فرضاً بنام کومه له نماینده
پرولتاریای کردستان باشد
دیگری نماینده پرولتاریای
بلوچ، سومی نماینده پرولتاریای
فارس، آذربایجان، ترکمن، عرب
و غیره و ذالک، طبیعتاً یک چنین
سازمانی نه مبتنی بر اصل فخرآتشو
و متشکل از سازمانهای ملی نماینده
پرولتاریای ملل ساکن ایران بد-
انگونه که کومه له خواهان آن است
بلکه یک سازمان واحد متمرکز
مراسری خواهد بود که با بودن آن در
هر شهر، سازمان متحدینی بنا به
شرایط منطقه ای به زبانهای مورد
نیاز تبلیغ کند. از اینرو لازم
است که یک سازمان ملی جدا (چیزی
نظیر کومه له در کردستان وجود داشته
باشد، بلکه لازم است که اولاشویال -
دمکرات باشیم، تا نیاید زبان محلی
آشنا باشیم. همان اثر، اگر تکرار باشد
برای هر ملیت و مذهب ساکن ایران -
سازمان مخصوص خود بوجود آید -
بقول کومه له گرانوی و اعتمادی -
محتمل کسانی که از حزب سراسری -
شعبه کارگران ایران وحشت دارند، مرتفع
گردد. این امر ما را به سوی وحدت -
حزبی بلکه بسوی انحلال و تلافی سوق
خواهد داد. دفاع آشکار و پنهان -
مستقیم و غیر مستقیم کومه له از سازمان
جداگانه و نمایندگی مستقل بکلی
مغایر با امر همبستگی میان پرولتار
یای ایران و نیاز پرولتاریا به یک

سازمان متمرکز و اتحادی است
خواست کومه له به وحدت آزاد پرولتا-
ریا آسیب میرساند. یگانگی
از بین میرود و در درون کارگران
اختلاف پدید آید. کنه تمام مطلب
در این است که کومه له در سرتاسر
خواست "سوی و سرود و حامی حقوق
سوسیالیستی را در حمایت از
استقلال در جنبش از سبب بدراستی
دفاع میکند. کومه له خواهان
حواستار اتحاد سازمان خود مختار
است که سراسر در سراسر ایران
پرولتاریای کردستان استقلال داشته
باشد. این امر سعادت بشری است
فدراسیون و اعتمادی است
در حالیکه مومنه مارکسیستی مسلم
در هم آمیختن کارگران تمام ملل
در سازمان واحد و سراسری
کارگران ایران یعنی حزب کمونیست
ایران است. کسی که در مورد
پرولتاریا با دیدگاه کارگران تمام
ملل است ساکن ایران و ادراک حزب
و احاطه سراسری صحت و عدم صحت
کومه له سوسیالیستی را عملی است
- لیس نمک بطریقه کومه له مآزره
کند.

"دمکراسی طبعه کارگر در نقطه مقابل
حار و جدال احزاب بورژوازی کواکو
- ن سر مسئله زبان و غیره قرار
منه وحدت بی محدود شرط خاکستری است
و در هم آمیختن کامل کارگران تمام
ملل در کلیه سازمانهای طبقه کارگر
احاطه های کارگری، تعاونی، ساز-
مانهای مصری و اموری و غیره را در
مقابل با شروع با سوسیالیسم
بورژوازی در حواست میباید، تنها
استخوان وحدت و در هم آمیختن
مسوا بد مکرار این خوب کرده وار

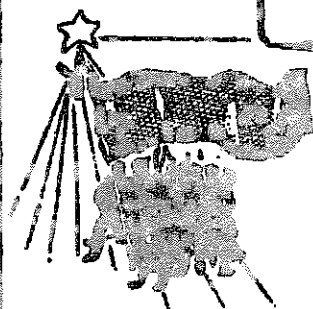


منافع کارگران در مقابل سرمایه
- که هم اکنون بین المللی است -
و بیشتر از این سوسن المللی
خواهد شد دفاع کرده ... (ملاحظات
انتقادی درباره مسئله ملی - لیسن)
ما مشابه مارکسست - لیسنستهای
ایران از این رهمود لیسنستی پیروی
میکنیم. آنچه برای ما مهم است تحک
- به پرولتاریا با یکاه تضمین عملی
تضمین برابری حقوق ملی است.
منافع طبقه کارگر و مبارزه ایمن
طبقه علیه سرمایه هیستکی و وحدت -
پرولتاریا، سازماندهی آن را در یک
حزب واحد ایجاد میکند. برای کارگر
آن مزد بگیر کردستان و نغانی
ندارد که استعمار رکننده عمده آنها بود
رژوازی فارس با ندبا کرد، او -
استعمار میشود و لازمه مبارزه بهر روز -
مندا و در مبارزه علیه سرمایه -
مبارزه علیه هرگونه توهیات تا سبونا
- لیستی است که کومه له بان دامن
بیزند. سیاست پرولتاری و استرالی
سبونا لیستی حکم میکند که ما کمونیستهای
ایران در همین حال که از حق تعیین
سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولت
مستقل برای ملیتهای تحت ستم دفاع
میکنیم از اتحادگاه ملامشده و -
ناگسستن مبارزه طبقه ای پرولتاریای
تمام ملل ساکن در یک کشور و حریان
همه و هرگونه تبدلات ناگهانی تاریخی
آن را با وجود همه و هرگونه تغییر و
تبدیلی که در مرزهای کشورهای مختلف
از طرف بورژوازی بعمل آید دفاع
کنیم. اتحاد پرولتاریای کلیه ملل
ساکن ایران بالاتر و بی قیستتر از هر
گونه خواست ملی است. اکنون از حسم
عملی و ملی به بررسی ضرورت وحدت

پرولتاریای کلیه ملل ساکن ایران
در یک حزب واحد طبقه ای سربازیم.
توهیات تا سبونا لیستی و خرده بورژوا
شی کم کم کومه له را به سمت این دیدگاه
سوق میدهد که چنین تصور کنند -
انقلاب دمکراتیک توده ای در ایران
خلق کرده میتواند از حق تعیین سرنو
- شت برخوردار گردد. کومه له طرح این
مسئله را از سوی ما کلی بافی مینامد.
در حالی که خود این مسئله نبر حسم
دیگری از سوسن کم کومه له و دفاع او را
از سازمانی مستقل نشان میدهد. -
تاکنون کلیه نواهد عینی در ایران -
عرای، ترکیه و سوریه که ملت کردند
طول مرزهای این چهار کشور منقسم
گشته است به نشان داده است که بدون
انقلاب دمکراتیک در هر یک از چهار کشور
نا مرده انقلابی که یک حزب کمونیست
واحد و سرتا سری در هر یک از این -
کشورها رهبری آن را در دست داشته با
- ندود و این مسئله ملی در کرد
- ستان با انقلاب دمکراتیک سراسری
در یک جریان واحد انقلابی پیرومند -
ادغام گردند. ملت کردند نمیتوانند در
سرنوشت و مقدرات خود حاکم گردد.
این مسئله مبارزه یک سازمان پرولتاری
- ی واحد سراسری را که در سرگرفته
کلیه پرولتاریای ملل ساکن هر یک
از این کشورها باشد، الزام آور -
میسازد.
آثار این مبارزه سراسری در
ستان یک سازمان مستقل و جداگانه
ی را ایجاد میکند؟ پاسخ منفی است
چرا؟ علت این مسئله در این است
که ملت کرد در طول مرزهای چهار کشور
فوق الذکر تقسیم شده است و از دو -
جهت پیوندهای اقتصادی، سیاسی



ما و شما



ما چون شما از نام تا خام در گذریدن لذت نبرده ایم
همچون شما که زندگی حقیرتان در هیچ روح
در آستانه تکریم قلد رها بهنگامت آلود و شکست است
به خفت و سکوت و شرم تن در زنداد مایم
با چون شما بهنگامت سر بر نگرانای مایم
ما سرزمین هر زرد بیرون با تش خشم سوزانندیم
با عشق به زندگانی اما نه در سکوت که با صد هزار سرود به فردا سرود مایم
اما آنها که حقارت سکوتشان را توجه می کنند بر ما نیخ خند می زنند
و با تردید سخن میگویند که همواره سایه نقشی را بر سر خود احساس می کنند
زیرا با آفتاب رنگ پرید مغروب حیاتشان در لبستانند
و نوکران ستم را برخ ما می کنند که بدیم و بد ماغ هر گل آنها را که اکنون
تفتنها را بر سینه مان گرفته اند تا حتی یک نفس که می شناسیم را کنترل کنند
در دستها بستان تهر است دارا زکار گذشته است
و چالما تهر را را انگیزی، اینها تسلیم و قاحت شد ما ند که تاریخ پتخی از
آن یاد خواهد کرد .
وای شما یان که تنوعات زندگی را با احساس بگری یکمقال گذرانید ما یید
بیاد آرید زمانی را که میخواستید این قلد را ن سیاه دل را بر سر جسم
آوردید که ما بیدیت را در ریای لحظه هائی که متعجب بودید قربانی کرد ما یید
و دستهای ما را به نیس خند به هم نشان میدادید که اینها می خواهند
باد بیت خالی که ما خود فنا شد ما ند . . .

کردستان، کردستان پاینده باد عزمت پیروز باد رزمت



ارمنیه ۱۴

و شما که خفت این زیست‌نکه با راز پرفتد برزم خلق هو زخند زد بد
تا د ریس چنین ارا جینی ذلت خویش را توجیه کرد باشد
وما استواری هیچ تزلزلی بانگ رسای خود را همراهی یونها بر میداریم
اینک فریاد ما است که سکوت را می شکنند
اینک سرود سرخ رهایی است که از کوههای کردستان تا محله‌های دود
گرفتگان فرسوده و جواد به طنین انداز است
پلکهای خستگان را باز کنید تا ببینید ما چگونه دقایق پیرارج
حیاتان را برهای این خلق ایثار می‌کنیم
همراهی شمر که ها که سرگ سرخ را نقد بر می‌کنند
همچون خروش رودخانه سیروان در راه رسیدن به اقیانوس توده‌ها
دست از جان خستنی‌ها می‌گیریم
وما که با اسارت می‌کار می‌کنیم، خود آزادیم.



کومه‌ها را بر بسوی این مواضع سوق داده
است، اما در کومه‌ها جنید یکری یعنی
رادیکال‌لیسم نیز وجود دارد. باید به
کومه‌ها کمک کرد که خود را از بند توهّمات
خرد و پرژوائی و ناسیونالیستی و مجموعه
نظرات ضد مارکسیستی - ضد لنینیستی
سپند نجات دهد و بسوی مارکسیسم -
لنینیسم روی آورد. در چنین حالتی است
که ما با کمال میل حاضریم به کومه‌ها نیز
مارکسیست - لنینیست خطاب کنیم.
* کلیه تاکیدات الزام است

کومه‌ها را به سوی مارکسیست
اقتصادی - اجتماعی ایران راهنمایی
نموده‌اند. نیمه مستعمره بلکه سرمایه‌داری
میداندد و در حرف هم که شده به رهبری
طبقه کارگر با مرد دارد. اما متأسفانه کومه‌ها
باید برش نظرات ضد مارکسیستی، و ضد
کارگری سپند و در هر طره هیلناکی
قرار گرفته است. هر چقدر که تا این طبقه‌ای

پرویز باد بهار زات خلق قهرمان گردد در راه آزادی و خودمختاری



جاودان باذخا طره فدائی شهید انور اعظمی

یک سال پیش در روز ۱۱/۵/۶۲ رفیق -

فدائی انور اعظمی یکی دیگر از ارزنده ترین رفقای سازمان خون خورشید و شهیدان رفقای کارگران و زحمتکشان نمود. وی با شهادت خود برگ زرین دیگری بر تاریخ خونبار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و جنبش انقلابی خلق کرد و افزود:

فدایی شهید رفیق انور اعظمی فرزندی -

راستین خلق کرد و یکی از بهترین رفقای سازمان بود که بیش از شش سال از حیثات و افتخار شرافت امر طبقه کارگر نمود.

و عشقی بی پایان نسبت به زحمتکشان و استوار شوندگان و وفات صبیقی نسبت به دشمنان طبقه کارگر داشت و با قدرت تبلیغی که داشت در میان زحمتکشان کرد بخصوص مناطق محرومان از محبیبیتی

خاص برخوردار بود. زحمتکشان سقز بیاد دارند انور را چگونه در تینگهای که در محل تجمع آنان بدون هیچ برنامه قبلی تشکیل میداد و از زبان آنها از درد ورنج آنها صحبت میکرد و راه علاج را به -

آنان که همانا تشکی بود رهنمود میداد بیاد دارند نقش ارزنده او را در تشکیل -
کانون کارگران بیکار شهر و از خود گذشتگی

ها پیش در رابطه با بالابردن سطح آگاهی آنان او همیشه در صف اول مبارزه بود زیرا قلبش همراه توده‌ها می‌تپید. او در سختیها پیشقدم بود زیرا خود را سر -
سریاز کوچک انقلاب میدانست.

رفیق شهید انور اعظمی در جریان زندگی تشکیلاتی خویش همچون یک کهنیست در تمام جبهه‌ها درون تشکیلات و خارج تشکیلات علیه دشمنان قسم خورد سازمان زحمتکشان و ملت کرد سرسختانه مبارزه

مینمود. او با سرسختی در استراحتی و انعطاف در تاکتیکها، فروتنی و قدرت -
منطق، اعتماد بنفس و غرور شدن، بیزار از ند به‌ویزای و اصولی بودن، آگاه -
و ایمان به توده‌ها که از خصوصیات بارز وی

بود. در جهت پیشبرد خط اصولی سازمان پیشگام تشکیلات فلبه هیچ مانعی را در این راه برای مقاومت در برابر وی نبود.

رفیق انور با توجه به خصوصیات و درک قوی که از مارکسیسم - لنینیسم داشت به عضویت سازمان و عضویت در سازمان و آمدن او توجه توانا بهایی که در وی وجود داشت مسئولیت سیاسی تشکیلاتی تهران نیز عهده دار بود ما ست -

اما یک سال پیش این رفیق ارزنده به عهده از زخمی شدن در جریان درگیری و خلع



گرامی باد

خاطره فدائی شهید ★

جواد کاشی

دیدم بنظر فعالیت خود را پس از خیانت
رقمبستهای موسوم به کفایت نیز در
سازمان داده بود که در بهار سال ۱۳۶۰

به همزمان فدائی خود در جنوب کردستان
پیوست و نقش فعال خود در جنبش انقلابی
خلق کرد. ایضا نمود.

او در تمامی این مدت سمبل فدائاری و
صداقت و انضباط کمونیستی بود، علاقه

او به فنون نظامی بود که در کمترین
زمان ممکن توانست در عطیاتیهای توانمند
مسئولیت دسته های عملیاتی را بپذیرد.

بنیاد، رفیق گاندیدای عضویت در سازمان
فرمانده نظامی دسته های پیشرنگ بود.

سرانجام در تاریخ ۱۳۶۱/۵/۲۰ طی
یک تهاجم لاورانه به نیروهای سرکوبگر
باطلوجه - بخندند - سینه هر مهرش

آماج گلوله های پاسداران ارتجاع و -

سرما به قرار گرفت.

یکسال از شهادت یکی از باترین و
شریفترین فرزندان خلق گذشت، روز ۲۰
بردار سال گذشته، بر سر جوارگران و
سرکوبگران خلق کرد به روستاهای اطراف
بودن با جانباختن لایه های
بشیران قهرمان فدائی آنچنان ناگام
ماند که دشمن هنوز از فراوانی کردن این
حمله بازمانده است.

فدائی شهید، به شمر قهرمان رفق
جواد کاشی که در این نبرد قهرمانانه
بشهادت رسید، یکی از خستگی ناپذیر -

ترین و وفادارترین کسانی بود که با رمان
کارگران و زحمتکشان عشق میورزند، او که
خشم و نفرت صبیق خود را با مهریال همسویا

بارها و بارها در نبرد های لاورانه، از جنوب
کردستان تا شمال آن به شوت رسانده -

کارگزارهای بود که طعم تلخ استعمار را در برقیق
شام بخوبی چشیده بود و برای رهایی از یوغ
آن به مبارزه برخاسته بود، شور و اشتیاق -

زائد الوصف او برای کارگران و زحمتکشان
آنچنان بود که پس از سرنگونی شاه نه به مبارزه
به یک خود داده و سازمان سرکوبهای فدائی

خلق ایران را تنها مدافع استبداد آرمانش
میدانست.



شیریک بود و نه هید

شهره ها تیره ساله های خمین
 ریزی شهید برون دور و نهی به تین
 لعد مشتق چل و پتی ناری بوکان
 تهنه هطساره د پمان له چکمان
 کهوتنه سرشمرز وک بساویزان
 سدره نجا کس له دوزمن توهان
 بگره و سبند، همرا و سزم بسو
 که مارود را سوای له دوزمن زو
 هفتده کس د دوزمن بهد پیل که مارو
 چک و چولیشمان بهمار به چاره
 تهنه تهاو بود دوزمن تیک شکا
 ستون فیدائیان گساره دوا
 بهلام بهداخمر کاک جهواد کوزا
 خمری پیروزی له بهافجه نیژ را
 جهواد ی نهمر بولسی نهیتر بسو
 کیانی فیدای ئاسمانجی گهل بسو
 شهنوری جوان ئاسازویه جمرک
 بریند ارکرا به پانکت کهوتن
 سی پو پریندار مایه له جی
 میلاجی نکره ریگی ماوه جی
 شهنوری دلسوز جمرگی دوزمن بر
 هاوی زحمه تکیش جمرور و دایم
 شهنور له میژ بسو شهوشی شهکرد
 بو گونه پهره مست هیتیشی شهبرد

جهواد و شهنور رولوی فیدائی
 کیانیان فیداکرد لمری نازادی
 هیزو توانایان ئاسمانجی گهل بسو
 شهوشور شیمان بسوز حممه تکیش بسو
 «ناتاسراو»

• بهبست لهمانی پابرد و به

پرنهیرانه دیداد خای تیر ماه

۱ تیر تاسیس جمهوری د عکراتیک
 خلق من ۱۹۶۹

۴ تیر شهادت مجاهد شهید بهد
 رفا ساداتی

۴ تیر استقرار مرزا بیک ۱۱۷۵

۱ تیر شهادت شهید قاسم علی د
 نوبیجا

۱ تیر شهادت شهید فداانی خان
 بهژاد سیفا ۱۳۶۰

۱۲ تیر اعتصاب کارگران نفت
 جنوب و شهادت تنی چند ارکارگران

۱۳۱۵ -

۲۷ تیر آغاز جنگ داخلی اسپانیا
 ۱۹۳۶

۲۸ تیر انقلاب نیگاراگوتنه ۱۹۷۹

۳۰ قیام ۲۰ تیر ۱۳۳۱



یکسال از شهادت دو رفیق فداکار، در منتهی شجاعت،
پایداری و ایمن بهر هاشی کارگران و زحمتکشان، دو
مبارز راه آزادی، دمکراسی و موسیالیسم
مویشرگ فدائی، که در نبرد قهرمانانه با غلوجه
و فده‌کنندگی در مرداد ماه سال گذشته حماسه آفریدند
سپری شد.

یاد رفقا:

جواد کاشی، انور اعظمی

و

که در روزهای ۳۰/۵ و ۳/۶/۱۳۶۱ شهادت
رسیدند با تداوم مبارزه برای:

سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی

و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق
گسرامی می‌داریم



اخبار اعتراضات کارگران وتوده های زحمتکش

اعتراضه کوش مقامات رژیم ضد بشری میروند
 وجلالی خمینی نماینده خمینی جلاد دو
 کروسان سرباز رادر زیر حمایت چند -
 هلیکوپتر برای سرکوب روستائیان زحمتکش
 میفرستد . مردم روستا جوانان را مخفی
 مینمایند ، اما مزدوران با تیواندازی هوانا
 و ناپیش نیرو اقدام به دستگیری ۱۸ تن از
 مردم روستا مینمایند چند روز بعد مردم
 روستا تصمیم میگیرند که روز ۱۲/۴/۵۶ به
 تهران بروند و در جلو مجلس ضد بشری
 رژیم تحمیل اختیار کنند اما رژیم بایک
 وسیع مجددا ۶۰ تن دیگر از اهالی را -
 دستگیر نموده است

لازم به تذکر است که انجمن برای حرکت
 در روستاهای منطقه بنحوی مطلوب اصرار
 مثبت داشته بطوریکه مردم روستای
 از نوجان نیز حرکت مشابهی را پس
 موفقیت انجسام داد و ناند .
 حرکت پیکار چه مردم خلیج بر علیه
 تخریب خانه ها :

در تاریخ ۱۲/۲/۶۶ (شعبان)

در تاریخ ۱۲/۴/۶۶ صد ها تن از مردم
 زحمتکش و مبارز روستاهای مذکور (از توابع
 سپهر خمین) بر علیه پزاند ارملهای مزد ور رژیم
 جمهوری اسلامی در آن منطقه دست
 به اقدام پیکار چه زدند . اعتراض مردم
 به طاعت حفر چاهی که توسط فئودالهای
 بک ده دیر که باعث کاهش شدید آب
 رودخانه روستا شده صورت گرفت ، مردم
 روستا که تعداد شان به ۸۰۰۰ نفر
 میرسد در فصل گرما و در اکثر ماههای
 سال دچار کمبود آب هستند .

مردم پیکار چه و متحد و مصمم بطرف چاه
 مزبور حرکت نموده ابتدا موتور داخل -
 آنرا خرد کرده و سپس با گامیون آنرا بر
 مینمایند . فرماندار و تعدادی سرباز
 همراهش برای جلوگیری از نابودی چاه
 به روستا آمدند و بعد از مدتی حمله قرار گرفته
 و فرار را بر قرار ترجیح میدهند ، خبر
 اعتراض بگوش مقامات رژیم ضد بشری میروند
 مردم قهرمان روستا مینمایند چند روز بعد

گمیتته های مخفی مقاومت رادر هر شهر و روستا ایجاد کنیم



اخبار اعتراضات

ساعت حدود ۱۰ شب مدعیان از مأمورین شهرداری قصد تخریب خانه‌های — شهرک طالبانی واقع در خلیج (جاده قدیم کرج) به آنجا می‌زنند. پس برای خراب کردن یک خانه که قسمتی از دیوار آن ساخته شده بود با مقاومت صاحبخانه و زنش روبرو شدند. مأمورین مزبور در اکتار — دیوار قرار داده و می‌گویند دیوار را بر سر من خراب کنید. مأمورین شهرداری که قصد تخریب داشته بودند حملات — صاحبخانه و بناها و مردم مبارز و آگاه منطقه قرار می‌گیرند. و در حالیکه شعار مرد بسر شهرداری می‌دهند و مأمورین آنها را با سنگ و چوب خرد می‌نمایند و مأمورین را بشدت مضروب می‌سازند.

متعاقب آن ساعت ۱۲ شب دوماشین گشت سپاه و دوماشین کمیته وارد منطقه می‌شوند و با مردم درگیر می‌شوند. مردم مجدداً با اتحاد و یکپارچگی در مقابل مزدوران ایستاده و مزدوران با دلت به تیراندازی هوایی می‌نمایند (در جریان این عمل یک زن جامعه پس از بی‌هوش شدن سقط جنین می‌کند) مزدوران — فرار را برقرار ترجیح می‌دهند و مردم فردای

آئروز با ساختن تپخانه‌های نیمه‌کاره خود می‌پردازد و مصمم و متحد می‌گردد و می‌کند که برای دفاع از حقوق خود در مقابل — توطئه‌های رژیم طاغوت کنند.

اعتصاب در مأمورین زغال سنگ شاه‌هرود: در تاریخ ۱/۱۲/۶۷ پیش‌ازد و هزار تن از کارگران و زحمتکشان معدن زغال — سنگ شاه‌هرود در اعتراض به اضافه‌کاری و فشارهای انجمن اسلامی دست به یک اعتصاب می‌زنند، آنها خواستار اخراج — اعضای انجمن اسلامی و بد بیریت و البته به آن می‌شوند که سفر و زیلول می‌انجامد. مسئولین رژیم ضد خلقی به خواسته‌های — کارگران پاسخ نمی‌دهند.

یکی از کارگران آگاه معدن می‌گفت:

۹ سال است که مثل خر جان می‌کنیم، آخری ما بد بخت‌ترین انسان‌ها در — آنجا (معدن) هستیم. شرایط بد — کار — نداشته‌ایم و هزاران مشکل — دیگر جانمان را به طلب رسانده کارکرد یگری می‌گفت:

باسم اسلام پدر هم‌راهِ را آورد و ما نسد و بعد ما خمینی به جای آنکه مملکت را با گل تبدیلی که به بگل تبدیلی کرده است — (بمحض دریافت خبر از چگونگی



اخبار اعتراضات

مبارزه کارگران آنراد رخبرنا مبعدی -
درج خواهیم کرد .

اقدام قاطعانه گامیند اران :

در تاریخ چهارشنبه ۱ / ۴ / ۶۲ حدود

۵۰ نفر از گامیند اران کارخانه سنال -

پزی آپیک قزوین در اعتراض به حق حدل
آجر به کارخانه حمله نمود رؤسا و -

سرپرستان آن را گروگان میگرفتند .

و سپس بدست يك ساعت کارخانه را
متصرف میشوند . آنها میگویند : اگر

قرار باشد که کارخانه حدل آجر با عهده

بگنجد چون به گامیند اران کرایه ناچیزی
مپردازد باید آجر را در مقصد شهرستان

به قیمت مادانه بفروشد بوساند . بنا به
اظهار چند رانند که خود در ایسن

گروگانگیری دست داشتند گفته شد :

در این کارخانه بایت حدل يك دامین -

آجر با کرایه ناچیز میپردازند . اما
از فروش چند برابر بیشتر به نفع آجر اضافه

نموده و به جیب میزنند ولی ما میگوییم اگر
قرار باشد کرایه بیشتری از مشتری -

در یافت دارند باید به رانندگان به

پردازند و گرنه ثابت خواهیم کرد که -

مسئول گرانی آخر خود کارخانه -

میباشد . پس از این حرکت حدود بیشتر

از ۲۰ نفر سرباز از طرف ژاندارمری -

آپیک به کارخانه ریخته و ۳۰ نفر از -

گامیند اران مبارز را دستگیر و -

ژاندارمری منتقل میکنند .

رشت : بدنبال اوجگیری اختلافات

درونی جناحهای حکومت سرپرست ا

بسیج اقتصادی رشت (حسینی) مجبور

به استعفا گردید . نامبرد در خلال خد -

مت خود به سرما بداران مرتکب دزدی و

ایجاد گرانی و اختلال رگشتم بود .

کردکوی - هفته آخر خرداد ماه در بسی

با خبر شدن مردم از اقدام تجاوز به دو

دختر مجاهد خشم و نفرت سراسر این شهر

کوچک را فرا گرفت به حدی که مردم آنها را

تظاهرات خشم و نفرت طنی مینمودند و

رزم برای مقابل با اجتماع احتمالی مردم

حدود ۵۰۰ نفر را از شهرهای اطرا

- ف به کردکوی گسیلی می دارد .

مشهد - از اول ماه رمضان توسط "کشت

نارله" و خواهران زینب اقدامات ضد پی

در صفحه ۲۳

زندانی سیاسی آزاد باید گردد . شکنجه . ترور . زندان نابود باید گردد



مراسم تسلیح رفقای پیشمرگ دومین دوره آموزشی

آموزشگاه شهید مسعود رحمتی

در تاریخ ۱۷/۴/۶۲ دومین دوره —

آموزشی پایگاه شهید مسعود رحمتی،
دوره شهید طی نودری دلی مراسم بسا
شکوهِی در حضور مردم زحمتکش یکی از روستا
های آزاد شده کردستان مسلح و سه
صف پیشمرگان رزمند فداایی پیوستند.
در این مراسم که چند ساعت بطول انجامید
نخستین پیاپی احترام به شهیدای بخون
خفته خلق، شهیدای راورهای و سوسا —
لیسم یک دقیقه سکوت اعلام شد.

سپس رفیق فرمانده نظامی شاخص سخنانی
در باب طبا آموزش و ضرورت این ارا براد
نمود، در سخنان رفیق به کیفیت جدی
جنبش ملی و مکرراتیک خلق کرد و ضرورت
مسلح شدن و مخزها و دستها بجا بیه
مشخصه هر پیشمرگ فداایی برای وارد آور
دن ضربات هر چه شدید ترس بیکر لرزان —
رزمند انقلابی جمعی اسلامی اشاره —
نمود.

ستن دستکچدی از فتا به صفوف —
پیشمرگان سخنانی در باب طبا وضعیت
فعلی جنبش و وضعیت رژیم، وظیفه نیروها
و مردم برادر نمود. رفیق همچنین سیاست
جنگی در مقطع کنونی یعنی "دفاع سترا —
یک و تعرض تاکتیکی پشت جبهه های —
دشمن" اشاره کرد و همچنین بر ضرورت
اتحاد تل نیروهای انقلابی و هر چه بیشتر
مسلح شدن توده های زحمتکش انگشت
گذاشت.

سپس رفقای آموزشی که با موفقیت دوره را
به پایان رساند بودند مسلح شدند و
هنگام تحویل سلاحها با فریاد درود بر
فداایی، زنده باد سوسیالیسم احسانات
خویش را بیان داشتند و همچنین
یکی از رفقای آموزشی به نمایندگی از طرف
رفقای دوره اظهار داشت با امید آنکه
بتوانیم با ایتار و فداکاری های خویش لیاقت
نام فداایی را داشته باشیم.

در قسمت دیگر برنامه، نماینده پیشمرگان مدی بد ستاورد های آموزش با وجود فشرده کثیر
سازمان ضمن اظهار خروالی انیمو — اشاره کرد و راورهای سیاسی نظامی —

سه رکه و توبی بزوتنه وهی شورسگیرانه ی گه لی کورد



جاودان یاد خاطره لدائی شهید

از شماره ۱۶۴

☆ انور اعظمی

سلاح گروهان ضربه‌ها یگانه حرم قزقمند
از سر روز ریمارستان شهید شد * هر -
چند غماز دست دادن چنین رفیقی برا -
یهان سنگین است مادر را ولین سال کسر
شهادت شهادت میدهند به این غمراه منبری
برای مبارزه بشوید و داد ادا مرا و تبدیلی
نمائیم و تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق از
پای نخواهیم نشست *
یادش گرامی و راهش پر مهر و صاف

اسلامی مد رسرا تعطیل میکنند * هم

چنین در سطح شهر بطور وسیعی اعلامیه
- هار تراکت‌های افشاگران پخش کرده
است *

مشهد - در روزهای ۲۰ آذر و ده‌های
رژیم بطور وحشتناکی، در سطح شهر -
پراکند شد و به بازرسی بدنی مردم و ایجاد
رعب و وحشت مشغول گشتند * آنها
همچو جوان و حتی کودکان را با زورسی -
مینمودند * این کار مدت ۱۰ روز ادامه
داشت و تاکنون مبادرت به این عمل در
مشهد بی سابقه بوده است *

۲۳۴۵۶

مراسم تسلیع ...

تشکیلاتی آن را برشمرد * برنامهباسرود
سازمان و سرودهای ملی و ابراز
احساسات مردم و روستا و شلیک تیرهای
هوایی به بیان پذیرفت لازمیت توضیح است
در این دوره مدتی از فضای هوادر -
سازمان در شهرستانهای دیگر ایران که
ارتباط آنها قطع شده بود و از طریق
سازمان میتوانستند ارتباط -
برقرار کنند پس از طی آموزشهای سیاسی
و نظامی و تجدید ارتباط و جدیدا تشکیلات
تعاون حوزه‌های فاموریت خود شدند *

|| اخبار اعتراضات ||

از شماره ۲۲

حجایی شدت گرفته است و حتی يك مورد
اسیدپاشی نیز مشاهده کردید *
نهیجه این اقدامات تفروانزجار مردم
بوده است و استفاده ازمانتهای اسلامی
هنوز نیز رواج دارد *

مشهد - در اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ (۱۶
اردیبهشت) در دبیرستان دانش
هنر دانش آموزان آگاه مبارزای -
دبیرستان اقدام به نوشتن شعارهای
انقلابی و ضد ولایتی می نمود * وسعت
شعارها بقدری بود که نامت کاجمن

و حشمت رژیم جمهوری اسلامی از آوازه اخبار صحیح جنگ چیست ؟

ز یک به سه سال از جنگ ارتجاعی د رژیم ارتجاعی ایران و عراق میگذرد . ادامه این جنگ ارتجاعی که ضایعات تلفات سنگین به د و کشور وارد آورده و صحرای فقر و بختی و خانه خرابی برای خود های د و کشور جیزد بگردد و برونند است . همچنان بار سنگین ادامه این جنگ بر دوش زحمتکشان قرار دارد . از این میان رژیم جمهوری اسلامی هر روزه از - فتوحات و پیشرویهای خود سخن میگوید ، ولی از تلفات و خسارات وارد شده و اینکه در حمله اخیر بیش از ۵۰۰۰ کشته بجای گذاشته چیزی نمیگوید . چرا ؟

برای اینکه بتواند هر روز جوانان بیشتری را به سلخ بکشانند ، برای اینکه هر چه بیشتر بتواند جیب زحمتکشان را - نمان را خالی کند ، برای اینکه چند سپاهی بیشتر بر سر تنگین خود باافزاید ، برای اینکه
پارلمان انقلابی از مردم هم میهنان مبارز می خواهم تا با مبارزه ای یکپارچه علیه رژیم ارتجاعی جمهوری - اسلامی ، مانع از قربانی شدن جوانان و نوجوانان هویت ، برای منافع سرمایه داران و تجار مفتخوار گردند .
پارلمان انقلابی از تمام سربازان ، درجه داران و افسران انقلابی و آزاد بخواد د موت میکنم با پیوستن به -
پارلمان انقلابی و ایجاد هسته های مخفی مقاومت در د روین پادگانها و جبهه ها ، این جنگ ارتجاعی را به -
جنگ علیه حاکمیت ارتجاعی تبدیل کنیم .

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

پرتو آریاد جمهوری د مکرانیک خلق

پارلمان انقلابی ارتجاعی



سنگ قمار گردید

برای تشکیل حزب کمونیست (۷)

است. "سهند" یا اتحاد مبارزان -

کمونیست "امروزه منبرداران این کدی

است.

برای آنها هیچ کتاب ناھنجار و تخرکات

بفرزانی این محفل روشنفکری که خود را

تجلی کمونیسم خالص و ناپند مقدرت -

طبقه کارگران ایران معرفی میکند، آشناس

شوم بخشهایی از نوشته های آنان را

مورد بررسی قرار میدهم. "سهند" در

دراگان شوریک - سیاسی خود در مقا -

له تحت عنوان "حزب کمونیست ایران

در گرو چیست؟" ابتدا به نقد دو گرا بیستی

انحرافی میرد از دو سپس درک خود را از

حزب کمونیست و چگونگی تأسیس آن ارائه

میدهد. آنچه که در درجماول و به متراز

همه در تعارض هستند "بچشم میخورد

ظاهراً ایجاد یک رابطه "منطقی" بین

کمونیسم به یک گرایش و حزب کمونیست

به عنوان تشکیلی که میاید این گرایش

را ناپندگی کند، میآید. "سهند

با استدلال اینکه درک فدائیان از -

مقوله "پیوند" بین حزب و طبقه یک درک

متافیزیکی و کمونیستی است، خود پیوند

بین حزب و کمونیسم را بجای پیوند کمونیسم

و طبقه تصنیف اند و با این نتیجه میرسد که

چون کمونیست را طبقه کارگر بیانی پیوند

خورد تا به حدی که پیوند بین حزب و

طبقه ساقاقت ضروری میآید. برای آن

که بتوانیم "دینا سیم" ارتباط بین

حزب و طبقه را آنگونه "سهند" میگوید

"درک" کنیم و به هر هستی یک نقل طوب

لانی ترجعنا بهم.

سهند در این اثر بدیع آموخود میگوید:

"ما هم اکنون در قالب نقد فدائیان خلق

(اقلیت) بصیرت به حزب کمونیست ...

را جھشند تا به این کلیان مواضعی است

که نیروها و احزاب خرد به روزانی بوزم -

آند ستارگانها که تحت نام مارکسیسم

سخن میگویند، در آینه موهکرات در

مقابل ما قرار خواهند گرفت.

نقطه مزیت و محتوای جامد و متافیزیکی

این دیدگاه در این است که حزب کمو -

نیست را نه به یک به یک و بد مزند متغییر

و متقابل بلکه بعنوان ثابت و لا یتغییر

در نظر میگیرند. "تصویری از یک حزب -

آید مآل در شرا یطی ترسیم میکنند و آنرا

تعریف مومی و همیشگی حزب کمونیست

قلداد میکنند. "تصویری که باید آجهان

شمول واید ارنیست بلکه کاملاً زانیده

شرا یط تاریخی و ... در این دیدگاه -



سبک کارگرمه ۵۰۰ ۵۰۰ ۱/۲ صفحه

حزب کمونیست به ناکزیر وجود پتی گسست
و ارمها ره ترسیم میشود *

نویسنده مقاله چند سطر قبل از این -
میگوید:

"دیدگاه ما کمونیستی ... حزب را چنین
تعریف و تصویر میکند "حزب کمونیست
، حزبی صاحب نفوذ در میان طبقه کارگر
است ... نمایند ه جنبش طبقه کارگری است
و از طریق ارکانهای مختلف در کارخانه
ها و محلات و مجامع کارگری با توده -
کارگران در ارتباط نزدیک است ، بهر
خلاصه حزب کمونیست يك حزب قدیم
و گسترده کارگری است با سطح درایسن
دیدگاه چنین است "پیوند با طبقه کارگر"
پیش شرط تشکیل حزب است *

ما نقداً این نظرات را بجمده موقوف میکنم
حال ببینیم "سپید" با نقداً این "گرایش"
چه تعریفی از حزب کمونیست ارائه میدهد ،
"سپید" چنین ادعا میدهد:

قبل از هر چیز باید این امر بدیهی را
خاطر نشان کنیم که حزب کمونیست چیز
نوظهوری نیست ، اختراع ، ابداع و کشف
جدیدی از جانب ما نیست ، کمونیسم
خود يك گرایش مشخص و با افتاد در -
جنبش طبقه کارگر جهانی است ، نظیر دیگر

گرایشات در این جنبش ... اما اکنون -
میستها (فداییان خلق)) تا نام کمونیسم
مطرح میشود ، این اید موز وائی که -
کمونیسم جریان جدا از طبقه کارگر است
که از ما بد با آن "پیوند" بخورد ، قلم
علم میکنند ، حال آنکه کمونیسم اولاً در -
همان جدایه ها و گرایشات کلی آن ،
با تحولات کهن و عمیق رنجبران در طول
تاریخ ، بر لزوم الغاء الکیست خصوصی
بر وسائل تولید و محو استثمار طبقاتی ساز
- کاری دافرد ، ثانیاً در عین حال پس
منا به يك جنبش مشخص و اتص و سیاه سی
بازها خود مستقیماً کارگران را در صفوف
میلونی شان مشتمل کرده ، انضالیات
کارگری مستعدی را و جری در ده جیستی
برای مدتی آنهم فقط در يك کشور ،
طعم قدرت سیاسی و ایط آنان چشاند
است ، این درست است که سوسیالیزم
علمی از درون جنبش خود بخودی نیروید ،
اما این ابداع معنای آن نیست که کمونیسم
همواره و تا در طس رفی پیوند تاریخی که
بازها را از انقبای مختلف جنبش جهانی
کارگران با یکاست جریانی خارج از
جنبش طبقاتی است که باید مدا با آن -
"پیوند" بخورد و در هر کشور هر روز از نسو



روند بخود ۱۰۰۰ کمونیست بار سال
لا اقل يك قرن از تاريخ مبارزات ما ماند ،
کمونیسم يک رد يد منو و نو ظهوری برای
جنبش طبقاتی نیست ، بلکه امروزه يك
جزایا يتجزای آن و يك گرایش علی در -
موقوف آن بدل شده است . ما نیست
کمونیست ، بين الملل اول ، انقلاب
اكتی ، بين الملل سوم انقلابيون كمو -
نیست بی شمار در طول این دهها سال
میلیونها دار در تحت پرچم کمونیسم
بسج کرد مانند ۱۰۰۰ آری کمونیسم تاریخی
دارد و این تاریخ بارها موجودیت -
کمونیسم را بشاه جریانی متعلق به
پرولتاریا به ثبوت رسانید ما است .
بسی سوسیالیسم شماره *

تأید از ما است .

همانطور که مشاهده میشود "سهند" -
هنوز تعریف مشخصی از حزب کمونیست
ارائه نداده است . نویسنده از تعریف
حزب کمونیست آغاز میکند ولی از تفسیر سر
در میآورد . ما برای حفظ روال بحث
و این منظور همه محتوای نظرات "سهند"
لطفاً وارد نشود ، باز هم بررسی علت این
آسمان در یسمان بهم بافتن و گسسی
کوئی ها را بجمد میساریم تا ببینیم نویسنده
بالاخر مهتدا از این مغلطه سائی به چه

نتیجه مشخصی نخواهد برد . "سهند"
بحث خود را بطور یابان میرود که
"کمونیسم گرایشی در جنبش طبقه دارگراست
که اهداف و روشهای مستقل خود از -
ما بر جریانات سیاسی و طبقاتی متا یز
میشود . حزب کمونیست تشکل حزبی
این جریان مشخص و متا یز است کمونیسم
يك جریان کلی و عام است . اما حزب -
کمونیست پدیده فوق العاده ای مشخص است .
حزب آن تشکل سیاسی است که اهداف
و شیوه های کمونیستی را به بنحوا دامه گارو
استوار اتخاذ میکند و رواج میدهد . حزب
کمونیست ، کمونیسم متشکل است و لذا هر
تشکلی که اولاً این اهداف و شیوه ها را

پشتا سد ، آنرا از آن خود بداند ، و به
این متعهد شود ، مبارزه خود را بر مبنای
آن سازمان دهد و به پیشبرد و تانیا از
توان گالی و استواری عطی لازم برای ادامه
کاری و ثبات قدم در این امر برخورد ار -
باشد ، يك حزب کمونیست است .

خواه این حزب كوچك یا بزرگ شود ،
ضعیف یا قوی شود ، دراپوزیسیون باشد
و یا دولت را تشكلی دهد . این حزب ،
حزب کمونیست خواهد بود ، زیرا آنها پنده
متشکل کمونیسم به مهابه جریان متا یز



سیک کارکومده ۵۵۵۵۵ (صفحه ۲۸)
و مشخص در جنبش طبقه کارگراست.
بسیوی سوسیالیسم شماره ۵
تاکید از ما است.

کلی گوییهای بی محتوا و حاشیه پردازیهای
مکرر در نوشته های "سهند" مانع از آن میشود
که خوانندگان بتوانند پی بیاورند -
مطلب ببرد. با این همه سعی ما اینست
که از حاشیه پردازی بشیوه "سهند" -
بپرهیزیم و به بررسی جنبه های مختلف
همان اساسی بپردازیم.

۱- رابطه بین کمونیسم، حزب و طبقه
"دیاکتیک" ارتباط بین حزب و -
طبقه را آنگونه که سهند درک کرده است
شناختیم. همانگونه که گفتیم چون از نظر
سهند کمونیسم پارها با جنبش طبقه -
کارگر جهان پیوند خود داشته، پس
صحبت کردن از "پیوند" سوسیالیسم
کلی و جنبش طبقه کارگر یک حزب پیوچ
و بی معناست.

"سهند" میگوید: "کمونیسم یک جریان کلی
و حزب کمونیست یک نهاد مشخص است
آری حزب کمونیست، کمونیسم متشکل
است، نه اینکه کمونیسم به یک جریان
متناهی و مشخص در جنبش طبقه کارگراست
در این هیچ شک نیست اما این تعر

- یک مجرد نمیتواند کام مشخص ما را
کرد. اینها تعاریف کلی و عامی هستند.
کمیته های چینی را اثبات نمیکند.
از نظر ما کمونیسم علم شرایط رها -
پرولتاریا و حزب دنیاست ابراز این رها -
ئی است. این همان چیزی است که
در تمام تعاریف "سهند" فراوان شده و ما
چرا که سهند میخواهد با تعاریف کلی
نا مشخص خود با خدوش کردن مرز بین
کل و جز ارتباط دیاکتیکی بین ما هم
کمونیسم و حزب کمونیست را درهم بریزد.
با چنین شیوه های تنها میشود به جوه -
اثباتی و فرضیات واید مآلهای از پیش
ساخته خود اعتبار مطلق بخشید. یعنی
همان شیوه های که سهند برای اثبات -
فرضیات خویش بکاربرد ما است! مجرد را
بجای مشخص نشان دادن، شیوه ناشناخته
ای نیست. متافیزیک که از جانب نویسنده
سهند سخت مورد نکوهش قرار گرفته
است در این زمینه بد طولانی دارد.
متافیزیک با این شیوه استدلال قرنهای
متعدی جهان فلسفه حکومت کرده -
است. اگر چه یگانه فرضیات عالمنا -
سهند "گوشه های تبار ارتباط صبی
آن با متافیزیک، بزرگترین اید مآلیستهای
تاریخ می بینیم" سهند میگوید:



سنگ و کومله ۵۰۰۰۰ از شد
خصوصیات کمونیسم گذاشته می شود. در
تعریف سه سند خط جهان، مسوول
کمونیسم به اساس و مجموعه وظایف و
مادی حزب کمونیست ایران را فراهم
نموده است.
اما ضرورتی نیست که برای تشکیل
حزب کمونیست و برای طبقه کارگر ایران
کارآیی نداشته باشد، الحق که خود
تجربین های درهم اندیش سه سند
را با اهداف و نیات واقعی شان رسانده
است. "سه سند" پیوند تاریخی
"کمونیسم" با جنبش طبقه کارگر جهانی
و اساساً پیوند سوسیالیسم علمی و طبقه
کارگر ایران گذاشته است تا بدین نیاز
به سازماندهی جنبش طبقه کارگر پیوند
استوار با آن حزب کمونیست مورد نظر
خود را بدست نوبلگیری سازد. هم آسمان
و ریسمان ها، همه گلی دوشیا و همه
پشت واره ها برای اینست که از طرح
منحنی سروریات و ملزومات و پیش شرطها
ی اساسی در امر تشکیل حزب طفره
برود. همه مفسطه ها برای اینست
که بخوانند ملان ذوق زد خود حالی
کند که هیچ نیازی به ارتباط تنگنا
بین حزب و طبقه وجود ندارد و مطلقاً

احتیاجی به پیوند با طبقه نیست و نیازی
به دستورش نفوذ بین صفوف پرولتاریا و
وجود ندارد.
در حالی که چنین گفت:
"ما باید سوسیالیسم مارکسیستی را
از این درختان روسیه بکنیم و بماند
و با جنبش کارگری روسیه ریت کر جدایی
نابندیم یکدیگر پیوند زیم و بین جنبش
انقلابی روسیه و خیزش خود بخودی بوده
— های خلق پیوند برقرار کنیم. — تبیین
زمانی که بین آمیزش تحقق یابد، حزب
کارگری سوسیال دملرات میتواند در
روسیه تشکیل شود."
لنین طرح پیاپی نیات تحریر یا یسرا و زار
— یا مجموعه آثار جلد ۴ (تائید از ما است)
لنین باز در همین مورد تائید میورد:
در همه کشورها در طی دوره معین، جنبش
کارگری و سوسیالیسم جد از هم جریان
داشته و سریت را محدود راه میوه داند...
در همه کشورها تبیین آب آمیزش سوسیالیسم
و جنبش کارگری سالود محکمی برای هر
دو آنها فراهم آمده است."
لنین سرعاً شمار اول ایسکرا ۱۹۰۰
تائید ها از ما است.
از نظر سه سند هر گروه و محفلی که خود را
کمونیست بداند میتواند اعلام حزب کند،



بدین پیوند با جنبش طبقه کارگر اتصال
میگردد و هر جریان عقل حزب توده -
میتواند خود را حزب کمونیست بنامد آن
هم حزب طراز نوین طبقه کارگر *
و چنین حزی میتواند با طبقه کارگر تماس
داشته باشد ، یا نداشته باشد ، مبارزات
توده های پرولتری را رهبری کند یا نکند
بخشهای وسیعی از نیروهای تاریکری را
متشکل کرده باشد یا نکرد باشد *

سهنت نیز میگوید چون "کمونیسم" با طبقه
کارگر جهانی پیوند تاریخی برقرار کرده است
است پس نیازی به پیوند با طبقه کارگر کمسر
کشور مشخص بانی نمیداند ، پس هر تشکل
سیاسی که "اهداف و شیوه های کمونیست
را "پنوی" ادا کند "آشنا" کند جنبش
کمونیست است *

حزب توده با جهانی شدن سوسیالیسم
نیرویت هرزونی پرولتاریا را نانی میکند ،
سهنت با جهانی شدن کمونیسم (سوسی
الیسم) نیرویت پرولتری شدن حزب را *
حزب توده با جهانی شدن سوسیالیسم
وسهنت با جهانی شدن کمونیسم هر دو
پهوند کمونیسم با طبقه کارگر کشور مشخص
و ضرورت تشکل مستقل طبقه کارگر انفسی
میکنند ، هر دو حزب کمونیست را به تشکل
فکری بشری خلاصه میکنند ، چه در

حالا میخواهد با جنبش طبقه کارگر ایران
ارتباط پیوند داشته باشد یا نداشته -
باشد ، مبارزه طبقه کارگر را رهبری کند یا
نکند ، در میان صفوف میلیونی پرولتاریا
نفوذ داشته باشد یا نداشته باشد *
دقیق از همین دیدگاه است که فراست
و نزد یکی پیولیسم سهنت با رویزیونیسم حزب
تود مخود را نشان میدهد ، پیوند میخورد
یک گرا یسر را منعکس میکند و جوهر واقعی
خود را نشان میدهد *

حزب توده مبتلا به یک جریان رویزیونیستی
هیچگاه در حرف از اهمیت رهبری پرولتری
نمی گاهد و نقش آنرا در وضعیت جنبش تود
دهای انگار نمیکنند ، حزب توده نیز به
نقد پیولیستهای امروزی تا برای این اکتفا
است که با جهانی شدن جوهر کمونیسم
پیوند تاریخی سوسیالیسم را قاعا بوجود
با طبقه کارگر جهانی ، هرزونی پرولتاریا
و ضرورت خود پیولیتی و نیروی مستقل اتصال
بشود ، پس دگر نیازی به اتصال
هرزونی مستقیم پرولتاریا در انقلاب -
د مکتب وجود نداشته و هر گونه محبت
کردن از رهبری مستقیم پرولتاریا ، یک
امر کودکانه و پد گاه می گمانی و نیسیر
کمونیستی است ، برای این اساس از نظرسر
حزب تود کمونیسم د یک کشور مشخص



سک کارکو به ده ۵۰۰۰۰۰ از صفحه ۲۳

"سهند" برای وجه جلوه دادن این تحریفات حتی حاضر است سر خود ترا هم دلا به بگذارد و حتی حاضر است بخودش هم دروغ بگوید و میخودش را هم باز کند.

اولاً ما در تمام طول حیات سازمان هیچ کجا و در هیچک از نشریات سازمان —
نقطةایم که "کمونیسم" جریان را از طبقه کارگر است که از ما جدا بماند و بخورد و هر روز رهبر کشور را زنده بخورد مانده تنها نگذاشتیم بلکه در عمل نیز همیشه و همراه با این دغدغه ساخت مبارزه کرده ایم و همیشه و همواره ما را ضرورت پیوند سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر ایران صحبت کرد ما هم همیشه با این مسئله های فشرده و پیچیده ای میفشاریم که هیچ حزب کمونیستی بدون پیوند ارادینیک با طبقه کارگر، حزب کمونیست به مفهوم واقعی نیست و ما همواره بر این اعتقاد بودیم و هستیم که حزب کمونیست بمثابه پیمانه طبقه کارگر، مظهر آن می باشد این طبقه را برای اعمال دیکتاتوری —
پرولتاریا است و حزب کمونیست بخش آگاه طبقه کارگر است که باید با جنبش

طبقه کارگر و پرولتاریای آگاه پیوند قطعی و لا ینفک داشته باشد و از نظر ما حزب کمونیست فقط "کمونیسم متشکل" نیست حزب کمونیست فقط عالیترین شکل تشکیلات پرولتاریا نیست (البته سهند حتی با این تعریف هم اعتقادی ندارد) بلکه "در عین حال بزاری است در دست پرولتاریا برای بدست آوردن دیکتاتوری در موقعی که هنوز این دیکتاتوری بدست نیامده است و برای تحلیل و توسعه آن در فو فعیه بدست آمد ما است "استالین — اصول لنینیسم ترجمه فارسی صفحه ۱۲۷ تاکید از خودش — کسانی که با این خصوصیت مهم و اساسی حزب کمونیست نمی اندیشند علاً به دیکتاتوری پرولتاریا و حاکمیت طبقه کارگر نمیتوانند اعتقاد داشته باشند چاره بدسهند که به حزب کمونیست حتی بمثابه عالیترین شکل سازمان طبقه کارگر پرولتاریایی اعتقاد است و حزب کمونیست سهند متعجبترین و مرده ترین ولایت خیرترین حزب کمونیست دنیا است و حزب سهند و حزب سوسیال دیکراتاروهای او اواخر قرن نوزدهم است و حزب سهند حزب کمونیست عصر ما نیست کمونیست و تجربیات قبل از کمون پاریس است و حزب



و اعمال دینتائوری پرولتاریا، از همیت رو
اولین و مهم ترین وظیفه سیاسی همتان کمو-

نیست، مشکل نمودن صبقه کارچد ب
همه حائز اند ب، ایجاد پیوند با جنبش
کارگری جهانی و وحدت مستحکم با جنبش
های رمانی بشتر پرولتاریای پیروز-

مند جهان است، فقط چنین حزبی -
میتواند، پیروزواری را نبود سازد و در
سیاسی را بستد و در چنین دورا
نی کمونیسم از حالت پین کرایس خارج

سد و بصورت پین جنبش واقعی درآمده
و پین نیروی مادی، بیک نیروی محرکه
تاریخی تبدیل سد ماست، نیروی -
عظیمی که هزار خود را یافته، میتواند

نظامهای کهن و پیرایه را درهم بشکند
و نظام نوین سوسیالیستی را برقرار سازد و
دینتائوری پرولتاریا را اعمان کند -
آنان که این خصلت اساسی را از حزب

سلب میکنند، آنان که ضرورت پیوند -
طبقه کارگریا حزب کنش را این ابزار را بازی
مینند - را با اعتبار پیوند حزب کمونیست

با کمونیسم جهانی و اعتبار پیوند کمونیسم
با طبقه کارگر جهانی مخدوس میکنند -
قدرت حزب را نفی میکنند ابزار پرولتاریا
را از آن میکنند، آنان که کظم راهایی -
پرولتاریا را بجای خود پرولتاریا، تجلی ارا

سک کارکو مدلد ۵۵۵۵۵
از دفعه ۲۲

سهند، حزب اپوزیسیون افراطی مافیل
عصر انقلابات پرولتاری است، حزب -

عصری است که مارکسیسم هنوز در حید
یک کرایش بود، عصری که مارکسیسم هنوز
در عرصه توریک مطرح بود، حزب سهند

حزب دوران است که پرولتاریا هنوز به
مثابه یک قدرت واقعی و پین تشکل آگاه -
طبقاتی برای سرنگونی سرمایه داری -
محو اهریالیسم و تصرف قدرت سیاسی

پا به رسمت برد نداشت و بود، حزب سهند
دوران تجهیز قوا حزب شرایطی است که
مبارز طبقه کارگر از تشکل پارلمانی مبارزه
پافرا تونگد است و بود، حزب سهند -

"حزب تودما بران" است، پیهوده -
نیست که دیدگاه نویسندگان سهند طبقه
کارگرتا این درجه حید پیوها میشود -
پیهوده نیست که سهند برای تشکیلی

حزب به تشلی محفل هشتی عناصر
روش فکری و فکری از تولید کنندگان خرد -
التقا میکنند -
حزب کمونیست این دوران، حزب طراز

نوین لنینی است، حزب کمونیست عصر
اهریالیسم و عصر انقلابات پرولتاری است،
ابزاری است برای کسب قدرت سیاسی

سهند برای سباب کردن خوانندگانش
به تافص آشنا می گرفتار آمد تا ست ۱۰ از یک
مو برای استحمام است لال می خواهم
بنویسد کمونیسما جنبش طبقاتی را جهانی
می یابد خورد بود یگر نای با بین پیوند
نیست و از سوی دیگر خود با بین پیوند
اعتقاد ندارد ۱۰ سهند این تناقض را با
بلا بردن یک واژه حل میکند ۱۰ چرا که
عرصه ۱۰ عرصه مبارزه طبقاتی نیست ۱۰ عرصه
۱۰ عرصه روشنگری است و استفاد از یک
واژه ناقابل به کسی و چیزی لطمه نمی زند ۱
سهند ما را متهم میکند که اف پی یوند تاریخی
کمونیسم را جنبش کارگری جهانی درک -
متافیزیکی داریم ۱۰ این امر مسلم تاریخی
را نادیده می گیریم ۱۰ این روند را دسته
می بینیم و لذا اصرار می کنیم این پیوند "هر
بار مو در هر کشور" از نو برقرار گردد ۱۰ اما
وقتی خود می خواهد پیوند تاریخی
کمونیسم را جنبش کارگری جهانی را توضیح
دهد ۱۰ در چار این تناقض می شود ۱۰ تافص
عجیب و غریبی که برای رمانی از آن جز
نقیض است لال پیشین خود پارای
ندارد ۱۰ بنیاد برای لحظاتی تحریفات
سهند را به یزید قبول کنیم که کل ۱۰ جز
را توضیح می دهند تا به بعضی این تناقضات
ببریم ۱۰ سهند هر بار رو در رو می رود

سک کارگرمه له ۰۰۰۰ از مدحه
- د مهرولتاریا و تشکیلی نویم راجبای
تشکیلی طبقه دار برمینسانند ۰ هیچ اعتقادی
جزیو اعتقادی به طبقه دار نرند ۰
آنان که به حزب کمونیست بمشابه ابزار
عمل پرولتاریا برای اعمال د یکتا توری آن
نمی اندیشند ۰ هیچ هدفی جز زمانعت بر
سر آمد یکتا توری پرولتاریا ندارند ۰ آنان
که مثل سپند می اندیشند جز هراس از
د یکتا توری پرولتاریا ، جز ترس از انقلاب -
پرولتری و جز ترس از تشکیلی و قدرت -
پرولتاریا چیزی را نشان نمیدهند ، ورنه
هیچ نیازی با این همه تحریف و دروغ نمی -
دیدند ۰

ما برخلاف شور و هیولان از آن سهند برآین
اعتقاد بود موهستم که کمونیسم بد تنها است
با جنبش طبقه دارگر جهان پیوند خورده
است و این پیوند امروز نیز بجلی و امعی
خود سرآرد و مبارزه و لاریای جهانی ،
جنبش های رهائی بخش و تشوهای -
سوسیالیستی علیه سرمایه داری جهانی
نشان داد و همچنان ، بدین دست و در
روند تکاملی ، مستحکم و پایداریش می رود .
این پیوند برخلاف آنچه سهند میگوید
" بار " ، " بار " ، پرید و منتطیع نیست .



تاریخی را تشریح میکنند میگوید :
"کمونیسم تاریخی دارد و این تاریخ
پارها موجودیت کمونیسم را بمشایه
جریانی متعلق به هر ولتاریا بشبوت رسانده
است . . . کمونیسم بمشابه یک گرایش
. . . و بمشابه یک جنبش واقعی و مشخص
پارها خود مستقیماً کارگران را در صفوف
میلیونی شان مشغول کرده . . . و پارها
پابخشهای مختلف جنبش جهانی
کارگری پیوند تاریخی یافته است ."
همه تاکید ها از این است .

حکمی که باید فرضیه متافیزیکی اندیشیدن
فدائیان را اثبات کند ، با منافع سهیل
در تضاد قرار میگیرد و خود را خدای
فرضیه شخصی سقوط میکند . و از "پارها"
که مبارز در هر سه تعریف تکرار میشود ،
"پیوند تاریخی" مورد نظر سهیل را به یک
پیوند تاریخی ، مقطعی ، گسسته و -
"بار" ، "بار" تبدیل میکند .

این وقایع و حوادث تاریخی است که
حادث میشوند و پارها حادث میشوند
نمونه های تکاملی که آغاز دارند و -
پایانی پس با پافشاری فدائیان درست
است و با این استدلال سهیل خطا و
اشتباه آمیز از نظر منطق استدلالی نیز

معمولاً آن چیزی باید د و باره تکرار شود
که بارها اتفاق افتاده است -
کل حرکت یک پیرو سهیل استفاده از -
واژه پارها بداند مبتنی بر در تعاریف
از دست کسان فیاض و اتفاقاً باز روی
تاریخی باشد چنین لا اقل خود نیست
- گان سهیل میدانند که این واژه تا
چندان از مپایا سهیل است لای آنها را سهیل
کرد . و تمام ساختار فکری شان را در
ریخته است . اما از آنجکه که مسئله بر سر
انتزاع است و نه تجزیه و تحلیل علمی ،
وقتی این استدلال آیند سهیل را -
خراب میکند و با پیوستن آنها را سهیل
- سهیل نیز این را به پای میدهد و لذا
مجبور میشود پشتکار بریزد با خود شیخ
- لغت کند و از تحقیق روند تکامل -
تاریخی عقب بماند . از همین نظر است
که در نظر سهیل "کمونیسم" بمشابه یک
ایدئولوژی بخودی یک اندیشه انتزاعی
و یک گرایش منقطع و مستقل از مناسبات
تاریخی و ولتاریا می باشد . سهیل
- این است که سهیل مجبور
میشود وقتی از "کمونیسم" و "پیوند تاریخی"
تاریخی "کمونیسم صحبت کند آنرا بعد و شق
و از مواضع و از هم منقسم نماید و میگوید



انترناسیونال نوین کمونیستی با مشارکت

سبک کار و کمودل ... از صفحه ۷۷

منهند و کمونیزم جهان و یک سری از
دارود سبکهای ترنسکیست جهانی
لشکر و پیش از زمان است که برای این
سبک جهانی های به روز رانی و خرد و
به روز رانی غلط بطلان کنند تا است

کمونیسم آرمان به روز رانی جهانی است
گرا پس مشخص و "جا افتاد های" است
که در روند تکاملی تاریخ به جنبش طبقه
کارگر جهانی پیوند خود و با آن رشد -
کرد و امروزه فقط بعنوان یک گرا پس
مشخص و یک کمونیزم به یک واقعیت بازتاب
مثل معنی یافت است و کمونیسم مانند
هر یک از جتهای دیگر رشد پیوسته و
مکمل خویش را می یابد و امروز هر کس
از کمونیسم بعنوان یک گرا پس صرف سخن
میگوید جز تحریف کامل این واقعیت
و تصوری نمیتواند داشته باشد

کمونیسم به یک گرا پس تعیین یافته
در جنبش طبقه کارگر جهانی و در این ریزی
ساختار سوسیالیسم بسیاری از کشورها
سوسیالیست جهان استمرار داشته و
و نیز همچنان استمرار دارد

نمی شود در این حال به کمونیسم بعنوان

۵- اگر مارکسیسم هنوز یک گرا پس کلی را بداند تا زمانی است که "جا افتاد های"

معنی ندارد و اگر جا افتاد است که یک گرا پس صرف و کلی نیست

"کمونیسم را در حد ایدها و گراشات
کلی و آن با تعیلات کمر و عقب رنجبر
در طول تاریخ ... سازگاری -

دارد و تا زمانیکه به یک جنبش مشخص -

واقعیتی و سیاسی ... پارها با بخشهای

مختلف جنبش جهانی کارگران (پیوند

تاریخی) یافت است و تا که از است

از نظر منند "کمونیسم" به یک ایدها

و گراشات کلی "جا افتاد های" دارد و

مطابق به یک جنبش مشخص واقعی و سیاسی

جا افتاد های دیگری در این حرکت

مستمر و ادامه دار است و تا در و می

منقطع و باره و باره و اگر حتی این تقسیم

مکانیکی را هم درست بدانیم و بلافاصله

این سوال مطرح میشود که آیا این گرا پس

بعنوان جنبش واقعی و مشخص نباشد

یا در یک گرا پس جنبش طبقه کارگر چند بخورد

سهند قطعا پاسخ خواهد داد و چرا

حتما باید پیوند بخورد و متبانه در

ارتباط با حزب کمونیست و طبقه کارگر

ایران بلکه در همین الطی و تا سیمین



ایجاد فدائی شهید، رفیق کبیر حمید اشرف و همزمان

صبح روز هفتم تیرماه، فقط یک سال قبل از رخداد این جرقه‌های انقلاب، "ضد ی" جلاد ساواک با چکمه‌ریزان او، راکشور و خطاب به زندانیان گفت: "همه چیز تمام شد، آخرین مرد صد هزار توطئه‌ی بدام افتاد. حمید اشرف کشته شد. همه زندانیان را آزاد خواهیم کرد. دیگر زندانی نخواهیم داشت!" عصر همان روز روزنامه‌های کبیرالا - انتشار کشور را تیتروهای درشت مردم جهان را از این خبر مطلع کردند. کیهان و اطلاعات برای اولین بار به چاپ پنجم رسیدند. "ضد ی" پاسخ خود را گرفت [چاپ پنجم روزنامه را از جنبش را فاش کرد] بود. پنج سال مبارزه خونبار به ثمر نشست بود. فدائی به یک جریان اجتماعی تبدیل شد. فدائی در دریای توده‌ها جا گرفته بود. فقط آنان که از درک عمیق تحولات تاریخی عاجز بودند بعد ها یاد یاد نیروی عظیم سازمان با "راول" می‌پردند. در دوران تحولات اجتماعی پیروزه در - هنگام کود و آواش‌های قبل از انقلاب،

شامه‌ای سر هریک از نمایان گلاران سازمان صد هزار تومان جایزه تعیین کرد.

با بد بین خواستها، روحیات و نیازهای توده‌ها با آنقدر سطح و ظاهر منعکس میشود، فرق گذاشت. با بد انعکاس روحیات توده‌ها را آنگونه که در واقعیت رخ چنان بد، شناخت ناقصی نبود. مردم ایران از شهادت رفیق حمید با زتاب - این واقعیت بود. حمید اشرف قهرمان با پداری و مقاومت بود. او طی پنج سال حیات خونین سازمان بارها و بارها فدائی را از نواخت، تشکیلات را با بازی کرد و هر چه فدائی را سرفراز و بلند در اهتزاز نگذاشت. گاهی میشد که تعداد اعضای سازمان از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد، اما او همچون کوه در مقابل دشوار بهایا پستاد و سر سخت و خستگی ناپذیری پیش میرفت. او اهمیت بقای سازمان و ضرورت ادامگی تشکیلات کمونیستی را خوب درک کرده بود. معروف است که رفیق حمید بگونه - ای قهرمانانه و معجزه آسا، شانزده بار تنه پلیس را در هم شکست، شجاعانه از محاصره گسترده پلیس جان سالم به در برد.

طی معجزه‌ای در کار نبود. حمید اشرف



بیاد فدائی شهید حمید اشرف و... هر فراز و نشیب راهشت سرمیگذاریم

باید از این همه مقاومت و قهرمانی از این همه سرسختی و شکیبائی، از این همه تجربه در مسای تاریخی بگویم. این - تجربیات برای سازمان بمثابة تنها سازمان کمونیستی که از آغاز نیمه سوم سالهای ۵۰ به یک جریان واقعی و اجتماعی تبدیل شد، مورد اهمیت ویژه ای برخوردار است، بخصوص که این تجربیات به بهای سنگین بدست آمده است. ضریات سال ۵۵ و پیامدهای پس از آن تجربیات بسیار پر بار و گران بها. بی بر جای گذاشته است، اینکها یا از شکستها نهرا سید، یا یاد از شکستها و پیوارهای سخت مقاومت ساخت و باید نقاط قوت را تقویت کرد.

باید سنگرهای پیروزی را تدارک دید باید بطو چشم داشت، باید آینده را دید نه گذشته را. آنان که با هر پیروزی - بالا می آیند و با هر شکست، شکست میشوند. آنان که با هراقت و خیز حرکت تودمائی، با جزو بد انقلاب به تزلزل - می افتند و نوسانات خرد میوز و امثالش خود را بنیادش میگذارند، آنان که با هر

اشتیاق مبارزه توده های زحمتکش میهن ما پس از شکست تاریخی ۲۸ مرداد بود، منعکس کنند مقاومت و سرسختی و - پایداری خلقهای ستمکش ایران بود. بازتاب اراده و مبارزه طبقه کارگر ایران علیه استیلای امپریالیسم و ستم سرمایه بود. این قلب توده های مردم، کارگر - ان آگاه و دهقانان رنج دیده میهن ما بود که در تشکیلات فدائی میطپید. تعهد به این اعتقاد بود که: هر کجا پیشاهنگ، و لو پیشاهنگی که در مرحله ابتدائی رشد و تکامل خود است، توا - نسته از ضربت بگذرد، در درجه بعد با کیفیت و نیروی بیشتری نقش خود را بازی کرد. ما ست ارفیق جزئی، پیشاهنگ و توده.

وضعیت سازمان بخصوص در اوایلین سالهای انقلاب نشانگر این حقیقت و تجسم واقعی، رشادتها، مقاومتها و قهرمانیهای رفقای ما نند حمید اشرف بود.

امروزه یک دوران پر تلاطم، طولانی

گرامی باد خاطر شهیدای بخون خفته خلق



بیاد فدائی شهید - شهید اشرف و

برآمد آشکارا انقلاب، انقلاب میسوند.

با طوفان انقلاب میجوشند واهر -

تکست بخواب میروند، انقلابی ناهای

ترسویی هستند که توج حرکت تلاطم

بخسرا انقلاب محو میسوند، در حالیه -

توج خود نظام انقلاب است، و نظم

انقلاب تلاطم تاریخ، لندن در مقابل

چنین افرادی میگوید:

افراد یکه میخواهند انقلابی باشند،

جای بد بختی است اگر فراموش نکنند

هتادی ترین نظمها، در تاریخ همان

نظم انقلاب است.

ضربان سال ۵۰ و انتصابات پسران،

در حقیقت بازتاب محدودیت عمل

سازمان بود و هم در عین سال نشانگر

انعکاس صف بندی پهلوی طبقاتی جامعه

در درون یک سازمان پرتفید توده ای.

شهادت ترفیق حمید و یگر فتای رهبری

سازمان را در مقابل یک تحرك عمل و فکر

بهاشکال پیچیده تر حرکت قرارداد.

آنچه پیش از همود در جواهر قابل بود

- سی است، اینست که از یک سو جامعه

آهسته تحولاتی عظیم بود، تعداد ثای

اجتماعی بطور شدت خود رسیده بود و

از سوی د یوسازمان بیک دریان وسیع

اجتماعی تبدیل شد بود، میایستد

با سخوی نیازهای این مرحله از جنبش

میبود و متاسب با نقش و موقعیتی که

پیدا کرده بود، وظایف اساسی خود را

بعهد میگرد، اما تنگنای خط و

مشق، و استراتژی و تاکتیک، قدرت حرکت

و فعالیت سازمان را محدود میکرد.

هنوز امرتد ارك سیاسی انقلاب و آمادگی

ذهنی نیروی رهبری کنند به انجام -

نرسیده بود، جنبش وظایف جدیدی در

مقابل پیشاهنگ قرارداد داده بود.

سنگیری و پرورد و جریان انحرافی -

آمار سیستمی و فرمیتی، در درون سازمان

بیان عطی، این نقطه تلاش بود، اولی

از شناخت شرایط جدید و تعیین وظایف

بیفجندید و جزماند، و همچنان بر سر

وظایف قدیمیای میفشرد و می درهراس

از تحولات جدید و ترس از دامن انقلاب

سازشکاری، با سیفیم و فعال رادامین

میزد، گرايش انقلابی، میاید در تعیین

تکلیف قطعی با این نظم دیزان خرده -

پورژوا منش و سازماندهی انقلاب -

میرد اخت و تشکیلات نوین را بر اساس

یک خط و برنامه نوین سازماندهی میکرد.

گرايش انقلابی بر حل قطعی مسائل -



در این راهنویس گام گذاشت است .
امروز دیگر همه ما روشن است که نیروی
ایمان ، شهر و شوق انقلابی و روحیه
شهرمانی هر چند برای تقویت و پابرجائی
ما زمان انقلابی طبقه کارگر بسیار و بسیار
نیروی است اما کافی نیست ، حزب پر
رولتاریا ، ما زمان و تشکیلات پرولتاریا
با بد تلاوه بر این . خط و مشی صحیح
و منطبق بر واقعیات جامعه ، خط و مشی
روشن و استرتری واقعی دست یافته
باشد . امروز این مسئله پیش از همیشه
بزرگ رهنمود عملی در جنبش تبدیل شد
است که بدون شهری انقلابی ، جنبش
انقلابی به پیروزی نخواهد رسید .

کمکهای مالی دریافت شده

هواداران شمال ۰۰۰۰۰ ریال
شهید کاظم ۰۰۰۰۰ ریال
بدون کد ۰۰۰۰۰۰۰ ریال
زنجر طلالا ، ۲ رشته
درمانگاه شهید اسلندر ۱۲۰۰۰ ریال

ما زمان را چرخش به نظرات و خط فکری
رفیق بیژن میداد اما همانگونه که خود
رفیق بیژن میگوید ، اساس نظری و برنا
— معای اوکلی ترازان بود که بتواند
پاسخگوی نیازی عملی جنبش قرار گیرد و
مبنای استراتژی و تاکتیک پرولتاریای
انقلابی ایران باشد . عل درک این
مسئله گرایش انقلابی را بهرگاهما تیسیم
ود نباله روی از حوادث سوق داد .
هنوز راه را از روی در پیش بود . امروز که
پنج ساله و ما را از این ضربات راهپشت سر
میگذاریم ، تحولات عظیمی هم در جامعه
و هم در درون ما زمان بوقوع پیوسته است
نفوذ گرایشات انحرافی و فراکسیونهای
خرده بورژوازی ، انشعاب قطعی و عملی
خود را از جنبش طبقه کارگر با نجام رسانده
از درون ما زمان زدوده شده و راه —
خیانت به طبقه کارگر در پیش گرفته اند .
گرایش انقلابی طی یک نبرد ایدئولوژیک
بیامان ، برابر همفراز ، را کمونیسم
راه حزب طبقه کارگر گام نهاد ما است .
ما زمان با تصفیه همه و هر گونه گرایش
خرده بورژوازی ، به یکپارچه و سرسخت



سبک کار کومه له برای تشکیل حزب کمونیست! (۲)

"طبقه کارگر در مبارزه خود علیه قدرت متحد طبقات نرومنند تنها هنگامی میتواند به عنوان یک طبقه فعالست کند، که حزب سیاسی خاصی در مقابل کلبه احزاب بکشد مشکل متوسط طبقات نرومنند قرارداد دارد، تشکیل دهد" (مارکس و انگلس قطعاً نه کنند و عموماً انجمن کارگران انترناسیونالیستی

را گفتار پیشین با آن مسئله اشاره کرد -
مکه "کومه له" بدون توجه اصول -
سای مارکسیسم و بدون توجه مبنای
خبرسم در امر تشکیل حزب و تحریکات
معی چنین کمونیستی چنان و ایران
در خنکوی محافل آکادمیک تبدیل

شده و با سبکی کودگانای عزم را سح
دارد، ندا و ها مواند آلهای روشنگر -
اندو بی محتوای اس محافل حامد عمل
بیونانده کومه له چنان خود را در -
مقابل حقایق سداست و سمخواه
نداند که بیست همدا س عا رهای آتشی
و "طبق و خطابه های سرعظم را ای اند
سدهای بورژواشی و راست رواندای
نهفند است که تح نام انتلا سگری -
سرولیا ریائی، سمای واقعی خود را -
بهتان مبارزه، ایورتونسم سیاسی
که مدتها بود در لیاس کههد و مندرس حزب
نوده در حسن طبقه کارگر بصورت آشکار
اسا عدم صفا ف، امروز بدلیاس حدت
خود را بنیان نموده و با القاب تیر
آب و تاب خود نمائی آغاز کرده است -
در صفحه ۲۶

برنامه عمل

سازمان چریکهای
فدایی خلق ایران را
بخوانید!

کتاب ۱۷۰ مقرر شد

بیا ۵۰ ریال

مرکون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق